



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۲
سه شنبه ۲ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۵ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

نورالدین
کیانوری

درباره «القاء ایدئولوژی»

ادعاهای واقعیت‌ها

این مقاله برای شماره ۱۰-۹ مجله «دنیای» تهیه شده است. از آنجا که تا انتشار این شماره مجله مدتی به طول خواهد انجامید، متن آن در شماره امروز نامه «مردم» به چاپ می‌رسد.
صفحه ۴

آیت الله طالقانی:

«مگر همیشه ما را با این جناب تکوینده‌اند؟ جناب خطر کمونیسم، ۲۸ مرداد هم ما را با این جناب کوبیدند، همین مسجد، در همین جا تیسریم را گفتیم. من در ۲۸ مرداد در ده بودم، آنجا وسیله روزنامه رادیو و اینها آتوقتی نبود، شنیدم که کودتا شده و دکتر مصدق سقوط کرده و دولتی سقوط کرد. سرعت آمدن تهران، وقتی آمد در همین محراب و همین مسجد، همین حاج ابراهیم خودمان (خادم مسجد هدایت) که آتوقتی مشهدی ابراهیم بود و حالا

فهمیدم نه برای من، برای تمام مراجع دین، برای مرحوم آیت‌الله بروجردی، آتوقتی نامه‌های تهدیدآمیز نوشته‌اند، ولی خوب ما می‌دانیم، نمی‌خواهم بگویم اینها مال اینها بوده است، مال آقایان کمونیستها بوده است، بعد هم فهمیدم منشاش از کجاست ولی به این اسم هم روحانیت و هم توده مردم را ترساندند یعنی کمونیست ضدخدا، ضددین، ضدنبوت، ضد وحی، می‌خواهد بیاید دین شما را ازین ببرد، استعمارگران را ترساندند که این کشور می‌رود ضمیمه‌شود به کشورهای کمونیست و منافع شما ازین می‌رود. در این میان یک‌مشت اوباش را راه‌انداختند با یک مشت قزاقها و قلدراهانی که الان هم هنوز همانندش هستند و سروردا

می‌کنند. این‌جور مردم را کوبیدند. و این نفیست را درم شکستند و بعد از آن چندتر کشته دادیم؟
... این تجربه تلخ را داریم و ملت ایران این تجربه را دارد و در این مدت همیشه توی سر ما زدند، حتی مرا محکوم کردند. روزاولی که مرا به کلبه بردند کلبه‌چی‌ها گفتند، این یک آخوند کمونیست است. پس معلوم میشود با این شعار می‌خواهند هر نفیستی را بکوبند. (از سخنرانی فئید سعید آیت‌الله طالقانی در شب اربعین (دیماه ۱۳۵۷)، نقل از کتاب «طالقانی و تاریخ» تألیف بهرام افراسیابی و سعید دهقان)

هشدار به مجاهدین خلق

مجاهدین خلق در حرف از امپریالیسم سخن می‌گویند، ولی در عمل دشمنان می‌دهند که آنرا بی‌پیروجه نشانده‌اند.
اشتباهات مجاهدین خلق آنها را به آلت‌دست بورژوازی لیبرال و ضدانقلاب بدل کرده است

امپریالیستی و تمیق و کسترش انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران زمین‌اند. آنها بی‌پیروجه با کسانی که، درست به‌مین دلیل، یعنی بدلیل تمیق خصلت ضد امپریالیستی خلقی انقلاب، از انقلاب رویگردان شده و در مقابل آن قرار گرفته‌اند، دست در دست می‌زنند و با تکیه بر مزدوران آنها، علیه جنبه‌ی اسلامی ایران توطئه می‌کنند و درصدد سرنگونی آن هستند، هدفهای مشترک ندارند. بدینسان مجاهدین خلق می‌بایست، بعنوان یک نیروی سیاسی، سمت عمده مبارزه خویش را علیه ایمن‌گرایان و این توطئه‌های خطرناک، که تا بحال بارها انقلاب ایران

شرایط دولت ایران در مورد آزادی «گروگانها» منطقی و معقول است

امپریالیسم آمریکا نمی‌خواهد تعهد کند که «از این پس» در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد.

پس از گذشت بیش از یکماه از تاریخ اعلام شرایط پیشنهادی مجلس شورای اسلامی ایران برای آزاد شدن «گروگانها»، دولت آمریکا پاسخ خود را در ۱۳ آذرماه ۵۹، از طریق دولت الجزایر به دولت ایران تسلیم کرد. متن این پاسخ هنوز انتشار نیافته است، ولی پاسخ مجدد ایران به دولت آمریکا، که از طریق دولت الجزایر فرستاده شد و متن کامل آن در تاریخ ۳۰ آذرماه ۵۹ توسط آقای پرواز تویی، سخنگوی دولت و وزیر مشاور در امور اجرائی، منتشر گردید، نشان می‌دهد که دولت آمریکا بی‌پیروجه درصدد برآوردن خواستهای بحق و منطقی دولت ایران نیست و به روش همیشگی خود، یعنی روش باجگیری و معامله یکطرفه، یعنی گرفتن «همه‌چیز» در مقابل دادن «هیچ»، توسل جسته است. این پاسخ نشان می‌دهد که تا چه حد دعوی امپریالیسم آمریکا و گردانندگان سیاست دولت آمریکا در دلسوزی برای «گروگانها»، پوچ و بی‌محتوی و در واقع پوششی بقیه درصفت ۲

تبریک
کمیته
مرکزی
حزب
توده
ایران
به فیدل
کاسترو

رفیق ارجمند فیدل کاسترو، دیر اول کبیته مرکزی حزب کمونیست کوبا
توفیق دومین کنگره حزب کمونیست کوبا و همچنین انتخاب مجدد شما را به سمت دیر اول کبیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، به شما، به کمونیستهای کوبا و به خلق کوبا صمیمانه تبریک می‌گویم و کامیابی بازم بیشتری را برای شما، کمونیستهای کوبا و خلق کوبا در کار سازنده برای تحکیم سوسیالیسم در «جزیره آزادی» آرزو مندیم.
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیر اول: نورالدین کیانوری
۱۳۵۹، ۱۰، ۱۴

یک پادگان نظامی، ترمینال نفتی و یک اسکله در جنوب شرقی عراق بمباران شدند

توسط رزمندگان نیروی هوایی:
یک پادگان نظامی، ترمینال نفتی و یک اسکله در جنوب شرقی عراق بمباران شدند

بیطی دو روز گذشته حدود ۱۵۰ تن از مزدوران دشمن به هلاکت رسیدند.

رزمندگان جمهوری اسلامی ایران با رشادت و دلوری به مبارزه با تجاوزگران صدامی در تمام جبهه‌ها ادامه می‌دهند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۱۴ خود، شرح گویای از عملیات دلوران ارتش در روز یکشنبه را به اطلاع رسانید. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:
در جبهه‌های غرب
۱- در منطقه ارتفاعات «هازی» دراز، در اثر آتش توپخانه و خمپاره‌انداز رزمندگان جانباز نیروی زمینی ارتش جمهوری

آتشخانه سحرایی و ۴ خودروی دشمن نابود شد حدود ۴۰ تن از پرسنل دشمن کشته و زخمی شدند. دشمن آمادگی در دست‌نیت، در جبهه آبادان و مازندران حمله توپخانه یکانه‌ای ما چندین

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت:
انتظار داشتیم آمریکا بعد از شکست رژیم عراقی دست به توطئه جدیدی بزند
* آمریکا با همه قوتش علیه انقلاب ایران تلاش کرده و باز هم خواهد کرد
صفحه ۲

در صفحات بعد

- اولین کنگره حزب کمونیست کوبا به کار خود پایان داد
- کوبا قاطعانه به سوی سوسیالیسم پیش می‌رود
- کشاورزان دهستان مهربان برای دفاع از میهن انقلابی آماده‌اند
- هیئت هفت نفری باید فعال باقی بماند و با قاطعیت کار خود را ادامه دهد
- کذری به روستای نیریز
- کارگران حصیری باقی بروجد:
- زن و مرد، پیروجه‌ان باید آموزش نظامی ببینند

مردم شوروی پشتیبانی خود را از انقلاب ایران ابراز می‌دارند

همکاری‌های سودمند اقتصادی - فنی ایران و شوروی
ایران تهنه است، اطلاعاتی واحدی معدودی که طی سالهای اخیر با همکاری کشورهای غربی در ایران ساخته شده‌اند، تنها با استفاده از مواد خام و اربانی کار می‌کنند. پس از انقلاب، تولید فرآورده‌های این واحدها محدود گردید، زیرا شرکت‌های خارجی تهنه کنند، مواد اولیه و فرآورده‌های تهنه، از تهنه‌ها آنها به ایران خودداری کردند و اینک نیز در تحریم اقتصادی، که ایالات متحده

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

لیبرال کیست؟

لیبرالها، مدافع سرمایه داری و غارت و استثمار زحمتکشان هستند. آنها جرات آنرا ندارند که صریحا این عقیده خود را مطرح سازند، اما گاه و بیگاه، اینجا و آنجا، نیات واقعی خود را در پوشش های مختلف پنهان می آورند. امکان می دهند که چهره واقعی آنها را از روی دعای گوناگون پنهان سازند. اینهم نمونه های دیگر از مقاصد اصلی لیبرالها:

«کار پستی رسیده است که ایوثر بنام اسفوره مبارزه با سرمایه دار معرفی میشود»

(میزان، شماره ۱، مهدی چپل تی) «همه کارفرمایان شیطان صفت و مستکبر نیستند» (میزان، ۳۰ آذرماه ۵۹)

«مستضعف به معنای فقیر و بیچاره و مسکین نیست» (همانجا)

چنانکه از نظریات لیبرالها معلوم میشود، آنها نه فقط معتقدند که بخشی از کارفرمایان، «نیکو صفت» و غیر «مستکبر»ند، بلکه همچنین پندشان نمی آید که آنها را «مستضعف» هم معرفی کنند. آنها میکوشند تا مرز میان مستضعفین و مستکبرین را برهم بزنند و مردم کوچه و بازار و جنوب شهر را با کارفرمایان و بازاریان و بسازوبفروشهای مستکبر، مخلوط کنند و سرانجام خود به لباس مستضعف درآیند!

از گرداندگان «میزان» باید پرسید که: آیا حاضرند دعوی خود را به محک واقعیت بزنند؟ بسیار خوب! آیا آقایان می توانند ۱۰ کارفرمای «فرشته صفت» و «مستضعف» نام ببرند، که کارگران آنها از «مهربانی» های فزون از حد آنان در عذاب نباشند؟!

پاسخ دولت ایران ...

بقیه از صفحه ۱

برای مقاصد غارتگرانه انحصارات امپریالیستی بوده است. شرایط مجلس شورای اسلامی ایران برای آزاد کردن دگرگون پنهانی که یکسال است تمام بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی و تمام سردمداران سیاست دولت آمریکا، و نیز لیبرالها و سازشکاران داخلی برای آنها دل می سوزانند، آنچنان عادلانه و منطقی بود که حتی مقامات آمریکائی نیز نتوانستند ایرادی بر آنها وارد سازند. ولی واقعیت آنست که سیاست آمریکا را «حقوق بشر» و «انسان دوستی» تعیین نمی کند، بلکه این انحصارات غارتگر آمریکائی هستند که برای احیای مواضع غارتگرانه خویش در ایران، انواع توطئه ها را علیه انقلاب ایران ترتیب میدهند، انواع مداخلات را، از تجاوز نظامی تا کودتاسازی و تحریک کشورهای دست نشانده به جنگ علیه ایران، سازمان میدهند و «گروگانها» را بهانه ای برای استتار جنایات خویش بدل کرده اند. در واقع پاسخ دولت آمریکا به شرایط عادلانه دولت ایران نیز توسط همین محافل نوشته شده است و نشان میدهد که امپریالیستهای آمریکائی هنوز عادت نکرده اند و نمی خواهند با جمهوری اسلامی ایران چون یک کشور مستقل و نه دست نشانده مانند دوران حاکمیت رژیم منور پهلوی - روبرو شوند.

در پاسخ اخیر ایران به دولت آمریکا آمده است:

«تصديقات پیشنهادی دولت مزبور، پاسخگوی کلیه موارد مورد نظر مجلس شورای اسلامی ایران نیست و در برخی موارد نیز، نیاز به اصلاحات و پاسخها و تغییراتی در روش های اجرایی دارد و تنها با این اصلاحات و تغییرات است که می تواند تصدیقات مزبور به عنوان حداقل لازم برای دولت جمهوری اسلامی ایران قابل قبول گردد».

چنانکه از پاسخ دولت ایران برمی آید، دولت آمریکا، نخستین شرط مجلس شورای اسلامی ایران، یعنی شرط تصد عدم مداخله در امور ایران را چنان تغییر داده است که بتواند، به روش همیشگی، به مداخله در امور ایران و توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بپردازد، عملی که هم اکنون با تمام قوا بیکسری میشود.

امپریالیستهای آمریکائی موزیانه، قید «از این پس» را در مورد عدم مداخله در امور داخلی ایران، برداشته اند و بجای آن «سناساتی» دولت جمهوری اسلامی ایران را قرار داده اند! بدین معنی که آنها روش گذشته، اکنون و آینده خود را نسبت به ایران، یکسان وانمود کرده و تنها به سناساتی دولت ایران (که امپریالیستهای امپدوارند با ایجاد دولت «آزاد» بختیار، آنرا پس بگیرند) بسنده کرده اند.

این پاسخ بخواهی روشنگر و اثباتگر این حقیقت است که امپریالیستهای آمریکائی ریکی به کنش دارند و در واقع نمی خواهند و نمی توانند تصد کنند که «از این پس» در امور داخلی ایران مداخله نورزند، آنهم درست در شرایطی که تمام قوای خود را برای تدارک توطئه های عظیم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بسیج کرده اند.

پاسخ دولت ایران به پاسخ دولت آمریکا، با طرح حداقل شرایط و تضمینات، پاسخی منطقی و معقول است: سپردن تضمینی بالغ بر ۲۴ میلیارد دلار توسط آمریکا در ازای حداقل ۵۰ میلیارد دلار سربده های ایران نزد بانکهای آمریکائی و اموال غارتی ایران توسط شاه ملعون، که نزد بانکهای آمریکائی نگهبانی میشوند، برای دولتهای مردمی که روابط خود را با دیگران براساس برابری و عدالت تنظیم می کنند، تضمین قابل قبولی است، اما برای غارتگرانی که دنیا را ملک طلق خود میدانند و جز منطبق راهزن سر گردنه، منطقی نمی شناسند، بیشک شرایطی «غیرمنطقی» خواهد بود و این پاسخی است که ماسکی، وزیر امور خارجه آمریکا، در قبلا پیشنهاد می اخیر ایران، عنوان کرده است.

پاسخ دولت آمریکا در قبال موضع اصولی و منطقی دولت و مجلس ایران، بیشک حقانیت دولت ایران را در برابر افکار عمومی جهان بیشتر به اثبات خواهد رسانید و منطبق گراک هار امپریالیسم را بیشتر متضع خواهد ساخت.

پاسخ دولت آمریکا از این که تصد کند «از این پس» در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد، بی اعتباری این امپریالیسم جهانخواه به موازین بین المللی را بیشتر آشکار خواهد ساخت و استعاضی از استرداد حقوق مردم ایران، که یا توسط رأفکله ها و یا «مدرسا و اعوان و انصارش» غارت شده اند، آمریکا را بیش از پیش در انظار جهانیان رسوا خواهد کرد.

شاید امپریالیسم آمریکا به این زودیا به خواستهای ایران تن ندهد، اما موضع دولت و مردم ایران در قبال امپریالیسم جهانخواه و متجاوز آمریکا همین باید باشد.

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، بکار خود پایان داد کوبا قاطعانه به سوی سوسیالیسم پیش می رود

برنامه پنج ساله آینده کوبا در جهت ارتقاء سطح زندگی مردم و گسترش پایگاههای مادی - فنی سوسیالیسم، به تصویب رسید.

سیاست خارجی کوبا بر اساس اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم و همکاری با جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای انقلابی جهان تصویب شد.

کمیونست های کوبا سیاست خانانها رهبری چین را، که به جنبش انقلابی جهان آسیب عظیمی وارد ساخته است، محکوم میکنند. سیاست رهبران چین تهدید جدی برای صلح در جهان است و فعالیت عوامل جنگ طلب و ماجراجو را در روابط بین - المللی تشویق میکند.

کنگره پار دیگر تاکید میکند که عادی شدن روابط با آمریکا، به آمادگی حکومت این کشور، در جهت از بین بردن محاصره کوبا، بازگرداندن پایگاه دریایی «گوآتاناامو» در کوبا به این کشور و محکوم کردن هراوع تجاوز به حاکمیت کوبا امکان پذیر است.

برنامه پنج ساله آینده کوبا:

پیشروی منظم بسوی سوسیالیسم

در سند مهمی که در پایان کار کنگره حزب کمیونست کوبا، در زمینه برنامه اجتماعی - اقتصادی پنج ساله ۱۹۸۵-۱۹۸۱ کشور به تصویب رسید، رشد همه جانبه و منظم در تمام زمینه ها به سوی ساختن سوسیالیسم تاکید شده است. در این سند همچنین تاکید میشود که مردم کوبا، تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیستی خود، در اجرای مسویات کنگره اول، در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی به پیروزیهای بزرگی دست یافته اند. نتایج دوره پنج ساله ای که عنقریب به پایان می رسد، بطور کلی مثبت بوده است. در مسیر صنعتی کردن کشور، کام دیگری برداشته شده، که شرایط را برای اجرای دگرگونیهای اجتماعی ضرور در جهت ساختن سوسیالیسم در کوبا آماده می کند. نتایج، راه را برای تحول سوسیالیستی بیشتر اقتصاد کوبا و

سیاست خارجی کوبا بعد از انقلاب بطور قاطع با اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بر پایه دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و پیوند و همبستگی با جنبشهای کمیونستی، کارگری و انقلابی در سراسر جهان استوار بوده است.

کوبا به طور فعال و قاطع در کنار جنبش های آزادیبخش ملی و خلق هائی قرار دارد که برای توسعه و دفاع ازمنافع حیاتی و تاریخی خود می زنند.

سیاست خارجی حزب کمیونست کوبا بر اساس اتحاد تاریخی جدائی ناپذیر با اتحاد شوروی استوار است، اتحادی که شالوده آنرا اشتراک ایدئولوژی و هدفها تشکیل میدهد.

حزب کمیونست و کشور انقلابی کوبا، که حزب رهبری آنرا در دست دارد، کماکان به تلاش خود در سمت تحکیم هرچه بیشتر پیوندهای برادرانه با دیگر احزاب، حکومتها و ملت های جامعه سوسیالیستی، ادامه خواهند داد.

روند تشنج زدائی، که آرامش خاطر و امید بسیار برای بشریت به ارمغان آورده و بخاطر نفوذ قاطع سیاست خارجی مسالمت آمیز اتحاد شوروی امکان پذیر بوده است، مسؤلیت تخفیف این روند دشوار کاملا بر دوش امپریالیسم و در درجه اول برعهده امپریالیسم امریکاست.

دومین کنگره حزب کمیونست کوبا بر این عقیده است که آرمان تشنج زدائی را میتوان در اوضاع جاری جهان نجات داد. این امکان در درجه اول بوسیله سیاست صلح آمیز اتحاد شوروی، که در همکاری با سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی و با حمایت نیروهای ترقیخواه جهانی تقویت میشود، امکان پذیر شده است.

دومین کنگره حزب کمیونست کوبا، که از تاریخ ۲۶ اذر ۵۹ در هارانا پایتخت این کشور، با حضور ۱۸۰۰ تن و شرکت ۱۴۰ هیئت نمایندگی از کشورهای مختلف تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد. در پایان کار، کنگره قطعنامه ای راجع به زمینه سیاست خارجی کوبا به تصویب رساند، که در آن سیاست خارجی کشور را بر پایه اصول و تعالیم مارکسیسم - لنینیسم، دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و پیوند با جنبش های کمیونستی و کارگری و انقلابی در سراسر جهان مشخص می کند. در قطعنامه همچنین مسؤلیت حفظ تشنج در سطح جهان بعهده امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا گذاشته شده و سیاستهای جنگ افروزان و برتری طلبانه رهبران پکن، که منجر به آسیب فراوان به جنبش انقلابی جهان گشته است، محکوم گردیده است.

کنگره حزب کمیونست کوبا همچنین با اتفاق آراء یکی از مهمترین اسناد کنگره یعنی رهنمودهای توسعه اقتصادی - اجتماعی کوبا را برای پنج سال ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ به تصویب رسانید.

سیاست خارجی کوبای سوسیالیستی

در قطعنامه ای که پیرامون سیاست خارجی کوبا در پایان کار دومین کنگره حزب کمیونست این کشور به تصویب رسید، از جمله آمده است:

«مهمترین هدف سیاست کوبا در پهنه بین المللی تلاش برای آرمیسان سوسیالیسم، آزادی خلق ها، ترقی و صلح بوده و خواهد بود.»

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی گفت:

انتظار داشتیم آمریکا بعد از شکست رژیم عراق دست به توطئه جدیدی بزند

☆ آمریکا با همه قدرتش علیه انقلاب ایران تلاش کرده و باز هم خواهد کرد

حجت الاسلام رفسنجانی پاسخ داد: ما از همان روزهای اول همیشه فرض را بر این گذاشته ایم که آمریکا با ما عوامل زیادی که در منطقه و کشورمان داشته اند، دارند، امکاناتی که دارند، دنبال توطئه هستند و ما آمادگی بهم زدن هر توطئه ای را هم داریم. توطئه جدیدی که شایعه اش هست به گوش ما هم خورده، فکر می کنم نیروهایی که مسئول حفاظت کشور هستند، این آمادگی را داشته باشند.

در باره امکان محاکمه گروگانها حجت الاسلام رفسنجانی گفت: من هنوز جواب رسمی آمریکا را ندیده ام. بهرحال اگر آمریکا حاضر نباشد حقوق ما را بدهد آخر کار ما محاکمه است.

خبرنگار دیگری پرسید: شایعه تصرف سه جریزه از طرف آمریکا و غیرمنطقی خواندن خواست ایران از طرف ماسکی وزیر خارجه آمریکا، (درباره گروگانها) و جمله صبیوتیستا به جنوب لبنان را در چه رابطه ای باید یکدیگر می بینید و احتیاج چه پیامدهایی دربر خواهد داشت. حجت الاسلام رفسنجانی پاسخ داد: ما انتظار داشتیم وقتی که امریکاییها احساس کنند در جنگ عراق که به ایران تحمیل شده، شکست خوردند باید یک توطئه جدیدی بکنند. یک جوری هیاو راه بیاندازند. این هیاوها از یک گوشه ای طبعاً شروع می شود. احتمالاً هاندایی که شما اشاره کردید، و قسبه لبنان هم بی رابطه با جنگ ایران و عراق نیست.

اسرائیل از همان روزهای اول یکی از مبره های توطئه حمله عراق بود.

در آورده اند، چیز جدیدی نیست. ریکان یک قدرت جدیدی در آمریکا نیست. آمریکا با همه قدرتش تلاش داشته و علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرده و باز هم خواهد کرد. و ما هم در مقابل توطئه های آمریکا آمادگی مقابله داریم.

گروگانها به ریکان آیات فیرینی در وضع آنها پیش خواهد آمد، گفت: در مورد گروگانها خواسته های ما همانها بود و هیچ عقبت نشینی نمی کنیم، همان را که اعلام کردیم باید بدهند. در مورد تهدید آمریکا هم آنها قبلا از مرحله لفظ به مرحله عمل

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، بعد از ظهر دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. وی در پاسخ سئوال یکی از خبرنگاران مبنی بر اینکه با محول شدن مسئله

شرکت سهامی آب منطقه ای شمال به نامه «مردم» پاسخ می دهد

مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه ای شمال، طرنامه شماره ۱۲۸۹۵ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۰ که چند روز پیش بدست ما رسیده، به خبر نامه «مردم» شماره ۳۵۲، مورخ ۵۹/۷/۱۶ پاسخ داده است، که در زیر عینا درج میگردد:

«خواهشمند است طبق قانون مطبوعات شرح ذیل را در یکی از صفحات آن روزنامه درج ننمایید. در شماره ۳۵۲ مورخ ۵۹/۷/۱۶ آن روزنامه مطالبی سراسرا کذب و تحریک آمیز بعنوان (چرا مزایای کارگران کارگاه کانال و لوله سازی برق شمال را نمی بردارند) درج شده بود که برای روشن شدن اذهان به توضیحات ذیل مبادرت می نمایم.

کارگران کارخانه کانال و لوله سازی وابسته به شرکت سهامی آب منطقه ای شمال مثل کلیه کارگران این شرکت از مقرری و مزایایی که طبق ضوابط و دستورالعمل های ابلاغی تعیین شده است برخوردار هستند و هیچ تفاوتی بین آنها و دیگر کارگران وجود ندارد و ضمنا برخلاف ادعای آن روزنامه مواد ۳۲ و ۳۳ قانون کار و مقرراتی است که قانونگذار برای تنظیم روابط کارگر و کارفرما تنظیم نموده است و کلیه سازمانهای دولتی از جمله این شرکت می توانند بنابه نوع کار و تخصص و بازده کاری کارگران و همچنین امکانات و اعتبارات و بودجه خود کارگران را ضمن اخذ تصد مشمول یکی از مواد فوق الذکر بنمایند که نحوه چگونگی این نوع اشتغال را مقررات قانون کار تصریح نموده است و خود اداره کار نیز در موارد لازم ناظر اجرای قانون بوده و بهتر از هر جمعی منافع کارگر را در قبال کارفرما حفظ میکند. بدیهی است که این شرکت حتی الامکان هراوع تسهیلات و مزایای رفاهی که قانونا بتواند در مورد کارگران کارخانه کانال سازی مثل دیگر کارکنان

خود برقرار کرده و خواهد نمود و نیز حق دارد که در صورت عدم نیاز به خدمت کارگر بدست بیشتر از سه ماه طبق مقررات موجود با اخذ تصد از آنها بر اساس ماده ۳۲ قانون کار اقدام نماید و دلوزی ها و اشک تصاح ریختنهای ظاهری آن روزنامه برای کارگران ایرانی با توجه به سوابق بسیار درخشان و روشن آن روزنامه که کاری جز شماردادن بی محتوی هدفی دیگر ندارد روشن میباشد. لذا مقتضی است از تحریک و تقزین در بین مردم خودداری نموده از کذب و تحریف واقیات پرهیزند».

نامه «مردم» آقای حسن فتورچه چی، مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه ای شمال، در ارتباط با دفاعی که ما از حقوق قانونی کارگران کارگاه کانال و لوله سازی برق شمال بعمل آورده ایم، با تاخیر فراوان (۵۶ روز پس از درج مطلب ما) پاسخی فرستاده اند که در بالا خواندید.

چنانکه خوانندگان گرامی مشاهده میکنند، آقای حسن فتورچه چی بجای آنکه به توضیح مستدل در پاسخ خواستهای کارگران بپردازند، تا کارگران را قانع کنند، جهت حمله خود را متوجه نامه «مردم» کرده اند و حتی از توهین و افترا به ما خودداری ننموده اند.

طبق ماده ۱۵ قانون مطبوعات، پاسخهایی که حاوی توهین و افترا باشد، قابل چاپ و انتشار نیست. با این وجود، ما عین نامه را چاپ می کنیم، تا نشان دهیم که در ارتباط با دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران، ما از هیچ چیز باک نداریم. و اما «تحریک و تقزین» نسبت داده شده به ما، نه فقط به روزنامه ای که در پاسخ آن با یکگیری از حقوق زحمتکشان ایران دفاع میکند، نمی رسد، بلکه بیشتر افتضاک روشهای نادرست و ناپسند در برابر این روزنامه است. آقای فتورچه چی می توانستند مطالب خود را بدون توسل به توهین و افترا، که زیننده مقامات مسئول سازمانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران نیست، بیان دارند، که متأسفانه چنین روشی را در پیش نکرده اند.

ما با چاپ پاسخ ایشان، قضاوت درباره این روشها را به افکار عمومی، بخصوص کارگران و زحمتکشان ایران می گذاریم، که ما صمیمانه از حقوق آنها، علیرغم توهین ها، افتراها و حملات خصمانه، هوارزه دفاع کرده ایم، می کنیم و خواهیم کرد.

هیئت ۷ نفری باید فعال باقی بماند و با قاطعیت کار خود را ادامه دهد

روستای ونارج یکی از روستاهای شهرستان قم است. فاصله این روستا تا مرکز بخش ۷ کیلومتر و تا شهر ۳۱ کیلومتر است. روستای ونارج ۲۱۲ خانوار با ۱۰۵۰ نفر جمعیت دربرمیگیرد. اهالی این روستا به کشاورزی و دامداری و قالی‌بافی اشتغال دارند. از ۲۱۲ خانوار ساکن در روستا، ۲۰ خانوار پرکشاورزی، ۴۰ خانوار دامداری و ۱۵۰ خانوار قالی‌بافی میکنند. ۱۱۰ خانوار نیز در معدن سنگ‌ساز در این روستا کار میکنند. در این روستا زمینهای با یرفراوانی وجود دارد.

روستای ونارج دارای درمانگاه و بهداشتی است. لیکن در مورد بیمه ریه‌ای حادثه‌ها و بیماری‌ها بیماران و زانوهارا به قم منتقل می‌کنند. فاصله روستا تا نزدیکترین درمانگاه ۸ کیلومتر است. روستای ونارج دارای مدرسه ابتدایی ۵ کلاس است و ۱۰۵ دانش‌آموز دارد. لیکن مدرسه را همتای ندارد. مشکل روستایان زحمتکش این روستا کمبود آب است. با توجه به ضعف بنیه مالی این روستایان و عدم وجود وسائل کار، علیرغم وسعت اراضی قابل کشت، آنان قادر به حفر چاه و بزرگداشت بردن این زمینها نیستند.

روستایان تاکنون بکرات به تعاون روستایی قم مراجعه کرده‌اند، لیکن به خواست آنان توجه نشده است. برای اجرای دستور امام خمینی و توصیه آیت‌الله منتظری، حفر چاه که در این منطقه در عمق کم به آب میرسد، کاملاً ضروری است و مسئولان امور باید فوراً

کنجداران بخش زیدون را یاری کنید!

فصل برداشت کنجد فرا رسیده است. کشاورزانی که از چهار ماه پیش کنجد کشت کرده‌اند، اکنون محصولات خود را جمع‌آوری می‌کنند. برای آشنایی با مشکلات این کشاورزان، به بخش زیدون از شهرستان بهبهان، که یکی از مناطق کنجدکاری کشور است، می‌رویم:

زمین‌های بخش زیدون، به علت مجاورت با رودخانه برآب زهره، از موقعیت بسیار مناسبی برخوردار است. به همین دلیل این منطقه سالیان سال، کنجد و برنج شهرستان بهبهان و چندین شهر دیگر را تأمین می‌کرد. اما به علت سیاست ضد دهقانی رژیم گذشته و وابستگی این رژیم به کمپانی‌های بزرگ امپریالیستی، شرکت‌های خارجی فلور و سکن در این منطقه شروع به فعالیت کردند. بدین ترتیب سرمایه‌های امپریالیستی بدون این منطقه نیز راه یافت. این امر موجب رکود کشت و کار اهالی و ورشکستگی کشاورزان این مناطق گردید، به طوری که برای مدتی، تا قبل از پیروزی انقلاب، کشت کنجد و برنج در سراسر این منطقه متوقف شده بود.

پس از پیروزی انقلاب و فرمان امام خمینی مبنی بر آغاز فعالیت برای رشد همه‌جانبه اقتصاد کشور، امسال دومین سالی است که اهالی این منطقه اقدام به کشت کنجد کرده‌اند. اما بی‌توجهی مسئولین امر و از جمله خریدن محصول به قیمت تمام شده،

آیت‌الله منتظری: جامعه ما نیازمند به یک انقلاب اقتصادی است. تمام نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه‌داری و استثمار را باید از بین برد.

از مسائل اهالی روستاهای دهستان مهربان هرچه گفته شود، باز هم کم است، زیرا این مردم زحمتکش، که علیه ستم طاغوت به پا خاستند و با آن مبارزه‌ای جانانه کردند، اینک برای حفظ دستاورد‌های انقلاب به کمک نیاز دارند. مانند سایر دهقانان، آنها به تدوین و اجرای قوانین و برنامه‌های انقلابی در زمینه مسائل ارضی و کشاورزی نیاز دارند و حق است که مسئولین کشاورزی

کشاورزان دهستان مهربان

هزار ریال بول نقد و ۱۳ عدد گوسفند به پایگاه نوزده و بانک مهدیه برای جگر دگان کمک کرده‌اند.

قریه پیر بادام

در قریه پیر بادام، که در شمال غربی همدان قرار گرفته است، ۱۲۰ خانوار زندگی می‌کنند، که ۱۲ تای آنها خوش‌نشین و بقیه کشاورز هستند. جمعیت این روستا حدود ۷۵۰ نفر است و فاصله آن با همدان حدود ۱۳۵ کیلومتر است. دهکده جاده‌ای خراب دارد و درمانگاه و

برای دفاع از میهن انقلابی آماده‌اند

شرکت تعاونی ندارد. ولی مسئله اساسی در این دهکده، مسئله زمین است. بزرگ مالک این روستا دارای ۱۱۰۰ هکتار زمین است. پس از پیروزی انقلاب و مطرح شدن مسئله گرهی و حاد اصلاحات ارضی، هیئت ۷ نفری به این روستا هم آمد و تاکنون قسمتی از زمین‌های مالک مزبور را به دهقانان واگذار کرده است. ولی قسمت زیادی از زمین‌های مزروعی روستا هنوز در اختیار مالک قبلی است. به همین جهت زارعین مشکلات زیادی در ارتباط با این مسئله دارند. یکی از آنها می‌گوید:

"پاییز سال گذشته که دهقانان زمین را کاشته بودند، مالک از دست ما شکایت کرد و ما مورین آمدند و ما را گرفتند. بعد هم حتی نگذاشتند گندم‌هایی را که کاشته بودیم، برداریم. الان هم گندم‌ها را برداشته‌ایم. یکی دیگر از دهقانان می‌گوید: "این مالک به ما ظلم زیادی کرده است. او حتی گوسفندهای خود را برای چراندن به زمین‌های ما می‌آورد و به این ترتیب خسارات زیادی به ما زد."

بر این اساس، دهقانان قریه پیر بادام خواستار اجرای کامل اصلاحات ارضی در این منطقه و کوتاه کردن دست زمین‌دار بزرگ منطقه هستند. هیئت هفت نفری، با تکیه به نیروی لایزال دهقانان مستضعف و با بهره‌گیری از کمک‌های جهاد سازندگی و سیاه پاسداران می‌تواند این وظیفه بزرگ را به انجام برساند و ارباب مستکبری را، که هزارو صد هکتار زمین را غصب کرد، از زور و گویی و بهره‌کشی بازدارد.

در دهستان مهربان بسیاری از دهات از ثمرات کار انقلابی هیئت‌های ۷ نفری برخوردار شده‌اند. باشد که هرچه زودتر کلیه دهات این منطقه آثار انقلاب را در زندگی خویش ببینند.

نفرستاده‌اند، تا چه برسد به این‌که پیرمردها بخواهند سواد یاد بگیرند."

کارهای زیادی به صورت نیمه تمام در این روستا باقی مانده است: حمام دوشی این روستا، که ساختمان آن به عهده سازمان تعاون روستایی است، تا حدود ۱۵ درصد ساخته شده و بقیه‌اش نیمه‌کاره مانده است. جمدی پیش جهاد سازندگی در این روستا مشغول کندن چاه و لوله‌کشی شد، که آن هم نیمه‌کاره مانده است. ساختمان راه آبی ده تا ده چالی نیز در دست اقدام است و مشغول شن‌ریزی و بل زدن هستند، که دهقانان امیدوارند نیمه‌کاره نماند.

در این روستا از درمانگاه و بهداشت خبری نیست. فروشگاه شرکت تعاونی وجود دارد، ولی اهالی از آن راضی نیستند و معتقدند که این شرکت به‌منای واقعی تعاونی نیست و به مردم اجحاف می‌کند. یکی از روستاییان در این مورد می‌گوید:

"این فروشگاه اجناس را به ما گران‌تر از حد معمول می‌فروشد. مثلاً سیگار زر ۴۰ ریال است، ولی به ما ۴۵ ریال می‌دهند. قند را هم کیلویی ۳۲/۵ ریال می‌فروشند. اهالی آب مشکین یک چاه نیمه عمیق در روستای خود زده‌اند، که دارای آب بسیار زیادی است، ولی احتیاج به موتور دارد. قیمت این موتور حدود ۲۲۵ هزار تومان تخمین زده شده و اهالی به جهاد سازندگی اطلاع داده‌اند که می‌توانند تا یک سوم این بول را بپردازند. بر مسئولین امر است که در تهیه این موتور به زارعین این روستا کمک کنند و ضمناً کار لوله‌کشی ده را نیز به انجام برسانند.

به دنبال جنگ تحمیلی رژیم صدام، مردم آب مشکین نیز، مانند سایر مردم کشور، آمادگی خود را برای دفاع از میهن و انقلاب اعلام داشتند. آن‌ها تاکنون حدود ۲۰۰

مملکت با خواست‌های آنان برخوردی انقلابی داشته باشند.

در دنباله مطالبی که در شماره‌های گذشته نامه "مردم" درباره روستاهای دهستان مهربان نوشتیم، در این شماره به روستاهای دیگر این منطقه سر می‌زنیم. از قریه آب مشکین می‌کنیم:

قریه آب مشکین

در قریه آب مشکین، که در ۱۳۰ کیلومتری همدان واقع است، ۲۷۱ خانوار (۱۵۰۰ نفر) زندگی می‌کنند، که ۶۰ خانوار آن خوش‌نشین و بقیه کشاورز هستند.

بزرگ مالک قریه آب مشکین شخصی به نام شکرالله بنی‌صدر بود، که حدود ۱۰۰۰ هکتار زمین داشت. این زمین‌ها در تاریخ ۱۰ آبان ماه سال جاری توسط هیئت ۷ نفری به ۶۰ خوش‌نشین و ۱۳۵ دهقان کم زمین و بی‌زمین واگذار شد. به هریک از این‌ها حدود ۶ هکتار زمین داده شده است. البته به علت شرایط موجود، نماینده هیئت ۷ نفری به کشاورزان گفته است که فعلاً اسامال زمین‌ها را بکارید، تا سال بعد تعیین تکلیف قطعی از روی مواد قانون صورت گیرد. اگرچه این مسئله باعث نگرانی خاطر کشاورزان شده، و آنها به درستی می‌دانند که انقلاب مال آنها و آن‌هاست و به هر صورت قانون مصوبه اجرا خواهد شد و هیئت‌های هفت نفری با قاطعیت به فعالیت خود ادامه خواهند داد و همانطور که در اعلامیه ۲۴ آذرماه ۵۹ ستاد زمین گفته شده، تمام حملات خائنه و مشکلات و تضییقات، هیئت‌ها را در حقانیت کارشان ثابت قدم تر خواهد کرد.

در این روستا مدرسه هست، ولی از معلم خبری نیست. یکی از دهقانان می‌گوید:

"همه باید با سواد شوند، ولی حتی برای مدرسه ابتدایی معلم

گذری به روستای نیریز

مسئولین کشاورزی می‌خواهند که با الهام از دستاوردهای انقلاب، به این مشکل آن‌ها رسیدگی کنند و ترتیب دادن سند مالکیت به آن‌ها را بدهند.

در حال حاضر یک رشته راه به طول ۱۶ کیلومتر از جاده اصلی همدان- قزوین توسط وزارت راه در حال ساختمان است، که قرار است ۵ ساله ساخته شود. این مدت طولانی است، در حالی که احداث سریع تر جاده برای اهالی روستاهای این منطقه و تولید کشاورزی آن‌ها و فروش محصولات اهمیت حیاتی دارد.

در روستای نیریز، اخیراً شورای ده تشکیل شده است، که از جمله به کارهای توزیع نفت رسیدگی می‌کند، لیکن بر اساس شواهد موجود و به علت عدم مشارکت فعالانه اهالی این روستا، این شورا ارگان صد درصد انتخابی مردم نیست. دهقانان خواستار فعالیت صحیح و بنیادی شورا هستند و می‌طلبند که انتخاب شورا صد درصد توسط خود اهالی ده صورت گیرد. باید اضافه کرد که تا خود روستاییان مشارکت فعالانه نداشته باشند و در کارهای تولیدی و عمرانی و بهسازی ده به شورا کمک نکنند، تا وظایف خود را انجام دهد، این نهاد نخواهد توانست نقش انقلابی بسیار مهم خویش را در زمینه‌های مختلف به انجام رساند. خود دهقانان باید شورا را به یک ارگان موثر، که هم دارای وظایف و اختیارات و امکانات دولتی است و هم منتخب وجوشیده از مردم و بیانگر منافع واراده آن‌هاست، بدل کنند، نهادهای انقلابی چون جهاد سازندگی و سیاه پاسداران، می‌توانند برای تقویت و مردمی کردن شورای ده به یاری دهقانان بشتابند.

روستای نیریز از توابع بخش آوج خرقان غربی، که در ۳۵ کیلومتری جاده همدان- قزوین واقع است، با کمبود آب و امکانات بهداشتی روبروست.

بیشتر اهالی این روستا، که قادر به کار کردن هستند، حدود ۵ ماه از سال را در روستا به کار کشاورزی اشتغال دارند و بقیه مدت را در تهران به سر می‌برند. محصول عمده کشاورزی این منطقه گندم است، که به علت کمبود امکانات، میزان آن قابل توجه نیست. با اینکه زمین‌های مستعد کشاورزی در این منطقه نسبتاً زیاد است، ولی به علت ناکافی بودن آب، بیشتر زمین‌ها بایر مانده است. میزان کم آبی به حدی است که حتی مقدار محدود سبب زمینی‌ای که کشاورزان برای مصرف شخصی می‌کارند، نیز خشک می‌شود، حل این مسئله به تولید بیشتر و مشارکت فعال دهقانان در "جهاد کشاورزی"، که وظیفه اصلی دهقانان است، کمک جدی خواهد کرد و پشت جبهه را تقویت خواهد کرد.

این روستا، که ۴۰ خانوار در آن زندگی می‌کنند، دارای بهداشتی، یک دبستان و یک مدرسه راهنمایی، آب لوله‌کشی و شعبه نفت سفید است. اخیراً جهاد سازندگی اقدام به ساختن یک دبیرستان نیز در این روستا کرده است. اما روستا فاقد حمام بهداشتی است. دهقانان ده دارای سوابق مبارزاتی علیه بزرگ مالکان هستند و در زمان طاغوت، که می‌بایست سالیانه ۳۶۰ ریال قسط بپردازند، علیرغم فشار مالک و حمله زاندارم‌ها، از پرداخت قسط امتناع کردند و تسلیم برنامه شاه معدوم نشدند. اما اعدای از این رعیت‌های سابق به علت اعمال نفوذ مالکین در دوران قبل از انقلاب، سند مالکیت ندارند، روستاییان نیریز از

این مقاله برای شماره ۱۰۰ هجدهم تهیه شده است. از آنجا که شماره این شماره مجله مدتی به طول خواهد انجامید، متن آن در شماره امروز نامده خواهد بود.

مسئله «الفا» ایده‌نولوژی حیرت‌انگیز است. تاریخ تحولات جامعه بشری از زمان‌های دور تا امروز شاهد این واقعیت است که نیروهای حاکم ارتجاعی همواره این دوشویه را به موازات یکدیگر...

در اینجا باید به دو نکته توجه داشت. نکته اول این که تاریخ بیش از دوهزار سال اخیر جامعه بشری گواهی می‌دهد که نیروهای ارتجاعی همواره این دوشویه را به موازات یکدیگر مورد استفاده قرار داده‌اند. بخصوص در دوران‌هایی که جنبش‌های مقاومت و مبارزه، امکان‌ناهن در برگیرند...

در روز برای به دست آوردن تالاری مورد احتیاج ضروری خود این در آن در می‌زنند، بتوانند به محکمن این فکر را «الفا» کند که دست از احتکار بردارند. ولی در جهت مقابل یعنی از سوی نیروهای حاکم می‌بایست که بهره‌گیری از شیوه «الفا» ایده‌نولوژی، هم ممکن است و هم کار...

این اشخاصی که در ممالک بزرگ به اسم مسیح‌وبه‌اسم مسیحیت این همه جنایات را می‌کنند برای مسیح‌علیه‌السلام خوب نیست و آبروی مسیحیون برده میشود. من به شما آقای باب عرض می‌کنم که اگر عیسی مسیح امروز بود، کارش را استیضاح میکرد، اگر عیسی مسیح بود، ما را از جنگ‌های این دشمن خلق و دشمن بشر نجات می‌داد و شما نماینده ایشان هستید. شما باید همان کاری را که مسیح می‌کند، بکنید.

ولی همانطور که تاریخ نباید کرد آقای باب کوچک‌ترس گامی در این راه برداشت. کلیسای کاتولیک یعنی دربار باب روم کار نسلیم به‌خواست‌های جهانی امپریالیسم را به جای رساندن به قرارداد بنام کدائی «کونکورد» را با هینتر، برگرسی حاکمان تاریخ بشر در شرایطی بست که نازی‌ها در آنجا کومیس‌ها و سایر مبارزان صد فاشیت را نابود می‌کردند...

تاریخ چند صدساله اخیر جهان گواهی می‌دهد که «الفا» ایده‌نولوژی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های مورد بهره‌گیری غارتگران جهانی یعنی استعمارگران و از آغاز قرن اخیر امپریالیسم بوده و هست. بهره‌گیری از این شیوه به همان علتی که در بالا ذکر شد، یعنی به علت محدود شدن امکان استفاده از شیوه اعمال زور مستقیم، روز به روز گسترش شتاب‌انگیزی پیدا می‌کند...

استعمار و امپریالیسم در به کار انداختن این شیوه «الفا» ایده‌نولوژی، از همه عوامل و گرایش‌های سنتی موجود در کشورهای مورد هجوم خود مانند فرقه‌های گوناگون مذهبی بهره‌گیری می‌کرد و در صورت لزوم فرقه و دست‌بندی‌های مذهبی و سیاسی رنگارنگ بوجود می‌آورد...

جبهانی از لحاظ کمی و کیفی ابعاد تازه‌ای یافت. سرمایه‌داری جهانی در پیشاپیش بسط‌یابی غارتگران نظام‌های کهنه، در طبقه رشد یافته، کارگر که دیگر به جهان‌بینی ویژه خود محبوس است، به درستی گورکی خود را می‌دید و از این‌رو از همان آغاز برای نابود ساختن و بسط کم‌بی‌اثر کردن این جهان‌بینی بسط‌یاب گم‌بست. سرمایه‌داری استعمارگر در دوران پیش از انحصارات و در دنبال این امپریالیسم جهان‌خوار برای منصرف ساختن افکار توده‌های انقلابی که به این جهان‌بینی علمی می‌گرویدند تمام تلاش خود را به کار انداخت و درست به همان شیوه...

در این شیوه‌ها به اوج گسترش خود رسیده است. در کشور ما بهره‌گیری از «الفا» ایده‌نولوژی همیشه جزئی از سیاست طبقات حاکمه بوده است. بویژه در دوران اوج تسلط امپریالیسم بر مین ما، یعنی در دوران ۶۰ ساله سلطنت رضا خان و پسرش محمد رضا پهلوی که با پیدایش و تحکیم اولین کشور سوسیالیستی جهان یعنی اولین پایگاه نیرومند جبهانی ضد امپریالیستی در همسایگی دیوار پهلوی شمالی ماه‌ها زمان بود، این شیوه به اوج خود رسید. امپریالیسم و نوکران ایرانی‌اش در این ۶۰ سال از همه وسایل و ابزار بهره‌گیری کردند تا به مردم چنین القا کنند که استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی و آداب و رسوم ملی و قومی جامعه ایران از طرف کمونیسم که به ادعای آنها همان «امپریالیسم تزاری روس» است، مورد تهدید قرار گرفته و تنها تسلیم بلاشرط به امپریالیسم جهانی و قبول آقاچی و سروری امپریالیست‌ها می‌تواند در برابر این خطر سد غیرقابل عبوری ایجاد کند. این سیاست تا آنجا پیش رفت که چنانچه در سال ۱۳۵۶ شاهدش بودیم، تمام شریان‌های حیاتی کشور ما در دست جنایتکار و خون‌بار امپریالیست‌های آمریکایی و همدستان اروپایی و زاپسی‌شان متمرکز شده بود. امپریالیست‌ها حتی به هزاران نوکر دست به سه سر ایرانی‌ها نظیر محمد رضا و هییداها و شریف‌امامی‌ها و جلادان و چاپلوسان، غارتگران بزرگ مالک و کلان سرمایه‌دار اکتفا نکرده با فرستادن بیش از هشتاد هزار جاسوس به نام مشاور نظامی و کارشناس اقتصادی و تاجر و مفاطه کار، کشور ما را به یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های غارت اقتصادی برای امپریالیست‌ها و وابستگانشان و یکی از محکم‌ترین و مطمئن‌ترین پایگاه‌های تجار و نظامی علیه کشور اتحاد شوروی از سوی شمال و علیه جنبش‌های راه‌پیمایی ضد امپریالیستی در منطقه و تکیه‌گاه دوم پس از اسرائیل مبدل ساخت. تمام این سیاست اسارت - آوری در حول محور «الفا» ایده‌نولوژی در زمینه «خطر کمونیسم» و «خطر اتحاد شوروی» در موزید. اتفاقی نبود که درست در روزهای مرداد سال ۱۳۳۲ یعنی همان روزهایی که تدارک‌کوت‌تسای ۲۸ مرداد در تمام ابعادش جریان داشت، روزنامه‌های وابسته به امپریالیسم نظیر «تهران‌مصور» و «شاهد» و امثال آنها پر بودند از جنجال درباره «تهدید از طرف شوروی»، «خطر کودتا از سوی حزب توده ایران»، «مصدق در دام کمونیسم افکاره‌است» و لاطلاعات منحرف‌کننده‌های از این قبیل. امروز دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند تردید کند که گردانندگان «شاهد» و «تهران‌مصور» و هم‌الکی‌ها همان با چهار دست و پا در جریان کودتا شرکت مسموم داشتند.

«اسلام» آمریکائی و «مارکسیسم» آمریکائی دو شیوه عمده «الفا» ایده‌نولوژی

در راه این سیاست «الفا» ایده‌نولوژی، همان که می‌دانیم امپریالیسم و مردورانسان هر وسیله‌ای را برای منحرف کردن توجه توده‌های ناآگاه مردم از دشمن اصلی‌شان یعنی رژیم غارتگر استبداد سلطنتی و پایگاه طبقاتی‌اش در درون کشور و امپریالیسم جهانی به‌مركزدگی امپریالیسم آمریکا در خارج به‌کار می‌گرفتند. اسلام آمریکائی چیز نوئی نبود. در زرادخانه «الفا» ایده‌نولوژیک «ارتجاع و استعمار به اندازه کافی تجربه‌های مکارانه برای «الفا» ایده‌نولوژی با رنگ‌های مذهبی وجود داشت. طبقات حاکمه غارتگر طی چند هزار سال موجودیت ادیان یهودی و عیسوی و اسلام، انبار دهشت‌انگیزی از معجون‌های خواب‌آور و انحراف‌ایجادکن و نفاق‌انگیز گرد هم آورده بودند و تجربه‌های چند صدساله استعمار اروپایی در کشورهای اسلامی هم معجون‌های ویژه برای خلق‌های مسلمان آماده ساخته بودند. امپریالیسم آمریکا به‌مركزدگی دنیای امپریالیستی همه این تجربه‌ها و انبارهای «الفا» ایده‌نولوژیک را بدون اشکال به‌کار گرفت و نهادهایی که بوسیله دستگاه کهنه‌کار انتلیجنت - سرویس انگلستان ساخته و برداشته شده بود مانند فراماسونری، صهیونیسم، بهائی‌گری، آفاخان باری و نظایر آن به خدمت ارباب قدر قدرت تازه‌نفس درآمدند و در لابراتوارهای «سیا» در آمریکا تحریکات تازه‌ای برای درهم آمیختن این معجون‌ها و تدارک معجون‌های دیگر مانند اشاعه فحشاء، اشاعه مواد مخدر، اشاعه بی‌بندوباری سکس، عادت دادن به بخل‌های لوکس‌و‌دها نمونه دیگر به نام «شیوه زندگی آمریکائی» آغاز گردید.

برای منحرف ساختن توده‌ها از افکار انقلابی نوین و از گرایش به سوسیالیسم علمی هم در زرادخانه استعمار و امپریالیسم «اسم» های رنگارنگ وجود داشت مانند تروتسکیسم، آمارکسیسم، سوسیال دمکراتسم و سوسیالیسم «ملی» ولی باید گفت که در این راه بزرگ‌ترین بحفتر ما مائوئیسم و امپریالیسم و ارتجاع جهانی تقدیم خود کرد.

با علی شدن ارتداد رهبران چین نو، یعنی مائوئیسم و همفکرانش اسبابان «الفا» ایده‌نولوژی امپریالیستی بلافاصله بی‌برند که «زرادخانه» سویی با امکان بسیار برای گمراه کردن و منحرف ساختن آن بخش از توده‌های انقلابی کشورهای زیر سلطه که با القاشات ایده‌نولوژیک نوع مذهبی‌اش، تحت تأثیر می‌روند، پیدا شده است. به این ترتیب تمام جهان شاهد این واقعیت گردید که امپریالیسم جهانی که از شنیدن نام کمونیسم لرزه بر اندامش می‌افتاد یکباره هوادار «کمونیسم خیلی خیلی انقلابی» جسی گردید و همانطور که دهها اعتراف مأموران بازستته و از خدمت گریخته «سیا» نشان داده‌است به همه «مأموران «سیا» در دنیا و همه سازمان‌های دیگر وابسته به آن آن‌جمله موساد و ساواک و غیره ماوریت داده شد که از ایجاد و گسترش گروه‌های مائوئیستی تمام امکانات خود را به کار آورند. تاریخ دهساله اخیر جامعه مین ما یکی از بارزترین نمونه‌های این هنداساسی دو شیوه عمده «الفا» ایده‌نولوژی یعنی ترویج «الفا» آمریکائی از یک سو و ترویج انواع و اقسام «مارکسیسم» آمریکائی یعنی مائوئیسم و شبه مائوئیسم از سوی دیگر است. درست با اولین طایفه‌های رند جنبش ضد امپریالیستی و مردمی ربر بر ضد اسلام انقلابی، اسلام مردمی به رهبری امام خمینی از یک سو و بارشند حرکت انقلابی جوانان مبارز ضد امپریالیست، ضد استبداد صد عازم‌گری با گرایش‌هایی در جهت سوسیالیسم علمی از سوی دیگر، فعالیت بی‌باغانه دستگاه‌های «الفا» ایده‌نولوژی «اسلام» آمریکائی و «مارکسیسم» آمریکائی نتالود به‌کار افتادند. به این ترتیب توده‌های وسیع مردم، رجمکنان شهر و روستا، کارگران و دهقانان آماج «الفا» ایده‌نولوژی «الفا» آمریکائی و روشنفکران و جوانان و بویژه دانش‌موران و دانشجویان در ایران و در کشورهای آمریکا و اروپای غربی آماج «الفا» ایده‌نولوژی «مارکسیسم» آمریکائی، یعنی مائوئیسم و تروتسکیسم و آمارکسیسم و هرگونه اسم دیگری که با سوسیالیسم واقعا موجود یعنی کشورهای سوسیالیستی جهان حشش‌های رهایی بخش ملی دشمنی می‌وررید، قرار گرفتند.

حوب به خاطر داریم که چگونه در مین ما و عواظ السلاطین برای حوای کردن توده‌های مععد به مذهب، از نحایش شمتر کسده» مسافرت خاندان فاعد و خابر پهلوی برای «ریسارت» مسهد و جحف و گزلا جلیل می‌گردید و اندشندان «برای گمراه کردن گروه‌های تحصیل‌کرده به اشاعه انواع «اسم» های انحرافی با طواهر بر روی برقی «فلسفی» و «علمی» می‌پرداختند. این سیاست با احاطه پین رمت که حتی اشاعه «مارکسیسم»، به‌طریق که علیه جنبش‌های صیل کمونیستی جهان، علیه کشورهای سوسیالیستی و علیه حزب توده ایران باشد منساجاز گردید. بلکه به صورت تبلیعات رسمی دولت درآمد. به خاطر داریم که پس از انحراف خاندان رهنسری حزب کمونیست جس مطبوعات رسمی ایران به یکی از سدان‌های بسیار تبلیغ برای به‌اصطلاح «مارکسیسم خیلی انقلابی» جسی مبدل شدند. روزنامه اطلاعات که سخگویی مقامات حاکمه و امپریالیست‌ها بود در پجاه‌ودو شماره موالی هر روز یک صفحه تمام و کمال خود را به «تجلیل» از «کمونیسم جینی» تخصیص داد و بوسده اس «برناز» تاریخی که در دسا نظرش دیده نشده است کس دیگری نبود جز جوان عباس سعودی، صهره مشهور امپریالیسم جهانی.

در این جریان عظیم «الفا» ایده‌نولوژی «چه با عناصر با ترف، با حسن نیت، با علاقمند به استقلال و آزادی و بی‌طرف اجتماعی خلق‌های ایران که در دام زهرآلود این حشش‌بشکنان پس‌اللطفی افتادند و با تعبیر آگاهانه و گزیرگروانه از اس «القائات» درست در جهت معکوس هدی که برای ردگی خود برگزیده بودند، کام نهادند و آن‌ها سادسین رحمد.

«الفا» ایده‌نولوژی» پس از پیروزی انقلاب

پس از سروری انقلاب سلاطین محافظ امپریالیستی و ضد انقلاب - حتی برای بهره‌گیری از «الفا» ایده‌نولوژی به سهوا تخفیف نیافت، بلکه با سدی بین ار سن و با سوه‌هایی باز هم موزیانه‌تر ادامه یافت. اگر در دوران تسلط رژیم استبدادی وابسته‌ها عمدتاً «الفا» ایده‌نولوژی در خواب نگهداشتن توده‌های مردم و جلوگیری از گرایش آنان به اسلام انقلابی از یک سو و به سوسیالیسم علمی از سوی دیگر بود، پس از پیروزی انقلاب مسئله منحرف ساختن توده‌های عظیم انقلابی از هدف‌های اصلی انقلاب و تشدید نفاق و چند دستگی در میان این نیروها به آماج‌های درجه اول این شیوه‌مبارزه محافظ امپریالیستی و ارتجاعی درآمد.

ایجاد و تشدید نفاق و چند دستگی میان نیروهای راستین انقلابی همیشه از هدف‌های امپریالیسم و ارتجاع بوده است. ما در دوران تسلط استبداد آریامریی شاهد بودیم که چگونه سیاوموساد و ساواک و همدستانشان باجسباندن مارک «مارکسیست اسلامی» به یک گروه و «ارتجاع» «سیاه» به گروه دیگر آگاهانه در میان مسلمانان انقلابی تفرقه می‌انداختند و یا با اشاعه «مائوئیسم

درباره «الفا» ادعاها

هواداران سوسیالیسم علمی را رویا روی مارکسیستی درون سازمان اسلامی مجاهد چشمه گرفته بود، تخم نفاق ریشهداری سوسیالیسم علمی کاشتند. پس از پیروزی انقلاب بهره‌گیری از یافت و برای این کار عوامل امپریالیسم و دهها نمونه دیگر در حشش‌ترین مراکز صورت بسیاری از ساواکی‌ها و وابستگان و نهاد‌های انقلابی رسوخ کرده و خود را در این نیروها در درجه اول عبارت بود از احزاب، در این دوران به بین خدمات ل ساحه و برداشته امپریالیسم و ارتجاع دست نخورده باقی‌ماندند و جاسوسخانه امکانات برای انجام سیاست خرابکارانه مانند «تهران‌مصور»، «امیدایران»، «آزادانه» به سمیاشی مشغول بودند. بررسی اقدامات سیاسی و محتوی ایشان دریده شده است به خوبی نشان اول منحرف کردن افکار عمومی مردم هواداران راستین در روند انقلاب. دوم بیرون کشیدن آمریکا و معجون سمت‌دادن سیاست خارجی ایران درجه‌های کشورهای سوسیالیستی و همه کشورهای دوستانه بین انقلاب ایران و کشورها و صهیونیسم و آمریکا در حال جنگ هستند سوم تشدید نفاق و دشمنی تا حد امام خمینی. نیروهای اصلی هوادار سو ماهیت متفرقی ضد امپریالیستی و مردمی آن گام گذاشته‌اند. عمده‌ترین هدف ایران بوده است. این خط «الفا» ایده‌نولوژی «دقیق» دستور کارتر دیده می‌شود. وسیله دیگری که امپریالیسم و صد گرفت همان مائوئیسم و شبه‌مائوئیسم های مائوئیستی مانند فارچ دهها و دهه رویدند. بخشی از ایشان تحت توجهات مطبوعات گوناگون جا گرفتند و بخش دیگر تازه به قدرت رسیده و در نهاد‌های انقلابی تازه‌ای به صورت مخلوط «اسلام» آمریکائی سم‌باشی می‌کند: از یک سو می‌گویند به «مارکسیسم سوزاد و از سوی دیگر به نام «مارکسیسم» گرایش پیدا می‌کند، در خط سیاسی به این ترتیب عنوان خلاصه کرد مراکز اصلی‌اش، یعنی امپریالیسم و ارتجاع تسلیم طلب، یعنی لیبرال‌ها هم به آنها آمیکائی و «مارکسیسم» آمریکائی یعنی همان هدف‌های سابق، یعنی منحرف کردن خط امام خمینی بازتاب یافته است، برای از بر صربه، برای مانع شدن ایران از برای جلوگیری از گسترش مناسبات دوست کشورهای سوسیالیستی، برای جلوگیری از متحد، بدون وقفه و فعالانه مورد بهره‌برداری برای این که نمونه‌هایی از این القاء دهم، بد نیست به بعضی از اقدامات «اسلام» آمریکائی در خارج ایران از زبان خلق سلطانی‌ها و سرپرست‌های بحشبار و بغداد و صدای آمریکا و بی‌مواضع اسلامی را ترک کرده، در دام کومرگام برمی‌دارد. آنها مدعی شده‌اند که این یعنی درست همان انتهای که معاویه به علت «مارکسیسم» آمریکائی ادعا می‌کند برداشته آمریکا و انگلستان است. و اما در باره هواداران سوسیالیسم حزب توده ایران و سایر هواداران سوسیالیست یا تحت‌تأثیر زده و در راه سازش‌گام کند می‌کنند که از حزب توده رو بر نماند و فقط آنها مارکسیست‌های واقعی هستند. اگر مقالات رورساده‌های «میزان» و را درباره گرایش‌های جدید سازمان جنبش دشت تنها اس فکر «الفا» می‌شود که «مارکسیست‌های واقعی» بودند و حالا که و مردمی انقلاب کام گذاشته‌اند از مارکسیسم و تروتسکیسم و «تبعیت از ک.ک.ب» دهها و دهها نمونه دیگر می‌توان آورد و «مارکسیسم» آمریکائی دست در دست هم و امپریالیست‌ها و مداخلات کام بر می‌دارند بد نیست شهابت خیره‌کننده تسلط دهها گفتار رادوبوهای ضد انقلابی وابسته اوسی، مورد توجه قرار دهیم. رادوبوی اوسی در روز ۱۶ آذر صفر «خودبیم» توده‌های آمریکا آید به‌شمار می‌آید که همان اتحاد سر و سنا‌های باره‌همکاری آخوندبیم بودند و امروز شاهد اوج تفرقه‌های همکاری مخوف خودخواز آخوندبیم توده‌های سخن گفت

کارگران حصریاف جزو محروم ترین زحمتکشان انسد تعداد آنها در شهر سرورجرد به ده ها نفر بالغ می شود. این زحمتکشان در نقاط مختلف این شهر و بطور پراکنده کار می کنند. کار حصریاف باقی از پرزحمت ترین و در عین حال کم درآمدترین حرفه ها است. این کارگران به علت پراکندگی، هیچ گونه تشکیلات صنفی ندارند. اغلب حصریافان در محیط های بدون

سروش کار می کنند و به همین علت در مواقعی ارسال با زندگی وجود دارد نمی توانند کار کنند. در نتیجه کار آنها از واسطه پها شروع میشود و تا پائیز ادامه دارد. در نتیجه آنها چارچا جدا می آید از سال را بیکارند. کارگران حصریاف بدلیل اینکه در هنگام کار باید حصر را در حالت نمناک نگهدارند اغلب به بیماری روماتیسم مبتلا می شوند و چون با دست کار می کنند

معمولا دستها پشان پیچیده بسته متورم و پراز زخم است. آنها بصورت روز مزد کار می کنند و به ازای هر متر حصر دو تومان دریافت می کنند. که با احتساب ده ساعت کار، دارای درآمدی حدود هشتاد تومان در روز هستند. برای اطلاع از وضع زندگی و کار کارگران حصریاف با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم: مشهدی سیف الله که هفتاد سال دارد و قامت نحیف و خمیده اش را به

سختی بر روی حصر می کند، گفت: "از هفت سالگی تا کنون به این کار مشغول بوده ام. روزانه درآمدی بین ۳۰ تا ۶۰ تومان دارم، که با این گرانی سرسام آور نمی دانم چه کنم. من و پسرم با هم زندگی میکنیم و هر کدام در ماه مبلغ سیصد تومان کرایه می پردازیم."

کارگران حصریافی بروجرد: زن و مرد، پیر و جوان باید آموزش نظامی بینند

دشوار است. حصریاف دیگری گفت: "در قانون اساسی چیزهای خوبی وجود دارد، ولی تا بحال پیاپی نشده اند. او در باره مشکلات کار اظهار داشت که: "خانه ام را به خاطر عریض کردن خیابان خراب کرده اند و شهر داری از بابت خانه مبلغ چهل هزار تومان بمن برداخته است، ولی با این گرانی مسکن، با این پول جزئی تا بحال

نمی توانستیم خانه بخرم". سپس نظرا و رادر مورد جنگ تحمیلی جویا شدیم. گفت: "انتظار مسا از دولت انقلاب این است که به وضع مستضعفین رسیدگی کند و دست سرمایه داران را کوتاه کند. دولت باید محتکرین را مجازات کند و برای مبارزه با گرانی و بیکاری چاره ای بیاندیشد." او در پایان اضافه کرد که: "اکنون که ما

درگیر جنگ بیستاجوزین یعنی هستیم، باید همه در بسیج شرکت کنیم. زن و مرد پیر و جوان باید آموزش نظامی ببینند. این انقلاب مانند نهالی است که هنوز ریشه اش محکم نشده است. با هر باد و طوفانی به این سو و آن سو خم میشود. حداقل کاری که ما می توانیم بکنیم این است که، باغبان خوبی باشیم."

«القاء ایدئولوژی»...

بقیه از صفحه ۵
و سخنگویان سازمانها و گروههای وابسته به طبقات و اقشار ممتاز و ممتازتر به طرف طبقات واقشار میلیونی محروم و محرومتر. زرف تر شدن روند انقلاب در درجه نخست و به طور تعیین کننده تابع شرایط و عوامل عینی جامعه کنونی ایران است و روشنگری نیروهای آگاه و پیشرو هوادار محرومان تنها می تواند آنچنان را آنچنان تر نماید یعنی توده های محروم را در جهت آماج های به حق شان تشویق و تجهیز کند. در مقابل انقلاب ایران چه بخواهیم و چه نخواهیم دو دورنا وجود دارد و هر چه غیر از این ایران در ادامه همان سمتگیری است که تا کنون داشته است. یعنی در جهت هر چه بیشتر ریشه کن کردن راه های تسلط امپریالیسم و بستن راه های تجدید اشکار و پنهانی بازگست این تسلط و هم چنین در جهت تامین بازم بیشتر حقوق حقه محرومان و کوخ نشینان و مستضعفان از یگانه راه محدود کردن هر چه بیشتر و مسدود کردن راه های غارت چپاولگران بزرگ مالک و کسبان سرمایه دار. دورنمای دوم این است که این سمتگیری با شکست روبرو شود، "القاء کنندگان" و یا کودتاچیان موفق شوند مسیر تکاملی را که جامعه ما در چند سال اخیر در پیش گرفته به عقب برگردانند و بالاخره نظام اسلام آمریکا ساداتی و ضیاء الحفی و یانظام ملی آمریکا سی اختیار صاویسی یا همگاری مارکسیسم آمریکائی را جانشین روند کنونی سازند. تجربه دسال گذشته نشان داده است که امپریالیسم و ضدانقلاب تا کنون از توطئه های کودتائی طرفی نیستند و به همین علت سمتگیری اساسی مبارزه با این دشمنان انقلاب ایران برای مرحله های که بلافاصله در پیش داریم عبارت خواهد بود از تلفیقی از حداکثر ایجاد تشنج در درون کشور با پشتیبانی از خارج و "القاء ایدئولوژی" ضد انقلابی و لیبرالی. هدف از ایجاد تشنج جلوگیری و یا دست کم دشوار کردن تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب است زیرا مسلم است که با هر گامی که در جهت تثبیت انقلاب برداشته شود، امکانات نیروهای ضد انقلابی و نیروهای لیبرال محدودتر می گردد. "القاء ایدئولوژی" ضد انقلابی و لیبرالی هم در سمت ایجاد تشنج گسترش خواهد یافت و هدفش این است که از آب گل آلود شده به وسیله تشنجات ماهی بگیرد و مردم را برای پذیرفتن یک "دست قوی" که بتواند مبین را از زهرج و مرچ نجات دهد، آماده سازد و شرایط برای استقرار "نظم آهنین" شبه آریامهری فراهم شود. با کمال تاسف باید پذیرفت که علیرغم این که انقلاب تا کنون ضربه های دردناکی به این هردو شگرد و ترند نیروهای امپریالیستی و ضد انقلابی وارد ساخته و گرچه با کندی گام های مهمی در جهت زرف تر شدن برداشته است، معذالک دشمنان انقلاب هم تویزه با بهره گیری از شیوه "القاء ایدئولوژی" در درون صف متحد نیروهای راستین انقلاب تشنجات و چند ستگی و سوء تفاهات را شدت بخشند. بازم با کمال تاسف باید پذیرفت که برخی اقدامات بی رویه، نادرست و زیاد روی هائی که از طرف همه نهاد های سیاسی و اجرائی حاکمیت جمهوری اسلامی صورت گرفته و تجاوزاتی که به حقوق مسلم مردم و حتی نیروهای هوادار انقلاب از سوی انحصار طلبان انجام یافته به بیدایش آن زمینه اجتماعی که ضد انقلاب و امپریالیسم آسان تر بتوانند به تشنجات دامن زنند و کار "القاء ایدئولوژیک" خود را گسترش دهند، کمک کرده است.

چرا حزب توده ایران آماج شدیدترین حملات از همه سو گردیده؟

مسلم این است که کشور ما از طرف جبهه متحد امپریالیستی و صهیونیستی و نظام های ارتجاعی جهان به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مورد هجوم نظامی، محاصره اقتصادی و جنگ تبلیغاتی قرار گرفته است. این هم مسلم است که بزرگترین خطر در درون کشور برای انقلاب ایران از طرف ستون پنجم گسترش یافت. این جبهه نیرومند و پهناور دشمنان انقلاب ایران است که به طور خطرناکی در تار و پود دستگاه های اقتصادی و دولتی ما جای گرفته اند. این هم مسلم است که حزب توده ایران در عین این که نفوذ و اعتبار ارزیابی هایش در دوران انقلاب بالا رفته ولی بدون تردید عامل تعیین کننده در روند انقلاب نیست. با در نظر گرفتن همه این معلومات مسلم این پرسش بجای می تواند بشود که چرا در سست در هفته های اخیر که یکی از مهم ترین توطئه های دشمنان انقلاب ایران به صورت تجاوز نظامی دار. و دست به صدور با شکست روبرو شده است، درست در زمانی که اختلافات بین نیروهای آماج حاکمیت و قدرت جمهوری اسلامی که نقش تعیین کننده در سرنوشت انقلاب دارند به میزان بی سابقه ای شدت یافته، درست در زمانی که ضد انقلاب تا آنجا گستاخ شده که به خود اجازه می دهد به رهبر برجسته انقلاب علنا بی حرمتی نماید، چطور شده که به یکبار حزب توده ایران بطور بی سابقه ای آماج "هجوم" از همه سومی گردد؟ این که رادیوی صدای آمریکا، بی بی سی، رادیو بختیار، رادیو اوبسی، رادیو بغداد، رادیو مصر، رادیو اسرافیل - گروه های وابسته به ستون پنجم امپریالیسم مانند مائوئیست ها و رنجبری ها و غیره - وهم چنین چپ نما ها و چپ گرا های رنگارنگ، خلق مسلمان ها و همدستانشان در روزنامه های در حال انتشار و منتظرالانتشار، لیبرال ها و گام به گامی ها به حزب توده ایران حمله کنند و هتاک کنند، تعجب آور نیست. این حملات حق ماست برای آنکه عمل حزب ما خنثی کننده و افشا کننده فعالیت های آنانست. ولی این که دوطرف دعوا و اختلاف در حاکمیت یعنی روزنامه "انقلاب اسلامی" متعلق به آقای رئیس جمهور و روزنامه "جمهوری اسلامی"، "مجله"، "پیام انقلاب" ارگان سپاه پاسداران، گروه های وابسته به سازمان مجاهدین خلق هم حزب ما را آماج همان تهمت هائی قرار می دهد که طی بیست و پنج سال حاکمیت طاغوت در آما میسگاه های مشترک سیا و موساد و ساواک یخته و برداشته شده بودند، شگفت انگیز است. یکی می گوید که توطئه های آمریکا حطری برای ایران نیستند - خطر عمده حزب توده ایران است. دیگری می گوید، حزب توده مخالفین مرا "القاء ایدئولوژیک" می کند و اگر حزب توده نبود من همه گاره می شدم. سومی می گوید حزب توده ایران (همانطور که ساواک گفته) در ۳۰ سال پیش خیانت کرده ولی فراموش می کند که ساواک "خیانت" حزب توده را در پشتیبانی از دکتر مصدق دانسته و مانند "شاهد"، "تهران مصور" ادعا کرده که حزب توده دکتر مصدق را "القاء ایدئولوژیک" کرده و او را به طرف کمونیسم کشانده است. چهارمی می گوید

حزب توده با مکر و حیله و هواداری از خط امام دم لای تله نمی دهد و دارد از اختلافات موجود بین نیروهای خط امام و جبهه های که مخالف خط امام است به سود خود فرصت طلبانه اعتبار و نفوذ جمع می کند. یکی برای "توجه" هتاکتی حقیر و مشمژکننده خود به حزب توده ایران بهانه می آورد که گویا کسی در جایی پشت جلد یک کتاب را تغییر داده (شاید هم اصلا چنین چیزی در حقیقت وجود نداشته و تنها برای این منظور خلق شده است). یکی هم علیه روزنامه "ارگان حزب توده ایران" اعلام جرم می کند که چرا منبع گرفتن بخشی از نقل قول از فلاس شخصیت را به استباه ثبت کرده است. از طرف خبرگزاری فارس خبر جعل شده "تحریک آمیز دروغ درباره حزب توده ایران به سراسر دنیا مخابره می شود. سخن کوتاه، چپ و راست بهانه گیری و دلیل تراشی تنها برای هجوم و هتاک و افترا زسی به حزب توده ایران. چرا؟ باز هم چرا؟ یکی حزب توده ایران را متهم می کند که اخوند شده است و دیگری متهم می کند که اخوندها را کمونیست کرده است. به راستی برای خود مسئولین حزب توده ایران هم کارد سواری شده که چگونه در این کلاف سردرگم سرخ را پیدا کنند. ولی ما گوش کرده ایم که بالاخره این سرخ را بیرون بیاوریم. علت این جمله از سوی امپریالیسم و ضد انقلاب و لیبرال ها و مائوئیست ها و همالکی های شان روشن است. بهترین معرف انگیزه این محافل را از این جمله عمومی به حزب توده ایران می توان در یک جریان تاریخی دید که یکی از هم زمان مبارز نستوه و فقیه عالیقدر آیت الله طالقانی قتل کرده است. آقای طاهر احمدزاده در مقدمه بخش اول فصل سوم کتاب "طالقانی و تاریخ" این طوری نویسد: "بهم - ایجاد جو ابهام در جامعه هنگامی که در چنین شرایط مناسبی امپریالیسم می خواهد توطئه ای را برپا کند احتیاج به آن دارد که جو جامعه دچار ابهام شود. در نهضت مشروطه... توسط عباس افندی رهبر بهائی ها در "عکا" لوحی به بهائیان ایران و سران مشروطه ایران صادر شد... عین همین جریان را مادر نهضت ملی در زمان "مرحوم سادروان دکترمحمد مصدق" می بینیم. مسی برجسب دوره نهضت مشروطه بهائی گری بود و در نهضت ملی برجسب "کمونیسم". تبلیغات آنچنان گسترده بود و به صورتی درآمد که به مردم این طور نشان داده شد که جبهه ملی یعنی تسلط کمونیست ها بر ایران، حال اسلام در خطر است برای نجات آن باید قیام کرد. این جا است که باید از "مرحوم آیت الله طالقانی" یاد کنم که خود ایشان برای شخص بنده تعریف کردند: "در منزل آیت الله بهبهانی که از علما درباری بود تنی چند از نویسندگان هم نشسته بودند که به آنها محر می گفتند. در منزل ایشان (آ بهبهانی) عده ای دیگر هم نشسته بودند. زمان قبل از ۲۸ مرداد بود. نویسندگان با جوهر قرمز به امضای جمعی حزب توده ایران بسرائی علما و ائمه جماعت سرتاسر ایران با پست نامه نوشتند که محتوای آن این بود: "که ما به زودی شما را با شال های سرتان بالای تیرهای چراغ برق به دار خواهیم زد. امضا حزب توده". آنها آن مطالب را از منزل آقای بهبهانی می نوشتند و می فرستادند. یکی از نویسندگان که با آیت الله طالقانی آشنا بود برای ایشان می گوید: "... آنقدر تشستیم و نوشتیم که مدت ها بعد از ۲۸ مرداد انگشت های ما درد می کرد." این خطی بود که روزنامه های آمریکایی - انگلیسی تهران مصور و "شاهد" و نظایر آن ها قبل از ۲۸ مرداد یعنی در دورانی که حزب توده ایران با تمام نیروی خود از سیاست دکتر مصدق پشتیبانی می کرد با پیگیری دنبال می شد و اکنون از طرف لیبرال ها و مائوئیست ها و ضد انقلاب و بویزه ارگان های مطبوعاتی آن ها روزنامه های میزان و انقلاب اسلامی و ورق پاره های ترجمه های یوک دنبال می شود. و اما علت اساسی هجوم همه جانبه از سوی آن محافل و شخصیت هایی که در طیف هواداران سمت گیری ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب جای دارند یعنی آقای بنی صدر (بدون همکاران مائوئیست شان)، گردانندگان روزنامه جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق و مجله سپاه پاسداران و شخصیت هایی که در هر سخنرانی در هر مسجد و هر منبر علی الحساب هم شده مقداری افترا و اتهام از همان زرادخانه کذائی نثار حزب ما می کنند این است که صاف و ساده در موضع گیری ها و ارزیابی های مشخص حزب توده ایران در جریان انقلاب کوچک تریس ایراد مشخصی نمی توانند بگیرند و این موضع گیری ها و ارزیابی ها آئینه ای شده است که در آن همه نقاط ضعف، کمبودها و اشتباهات و انحرافات از سمت گیری واقعی انقلاب نمایان می گردد. پس مسلم است که آئینه ای را که ضعف ها را نشان می دهد باید شکست. اینجاست که این پرسش به جا مطرح خواهد شد: آیا این هجوم کنندگان و هتاکان و توتوری سازان تصور می کنند که بالفرض با شکستن و یا لااقل با سیاهی کشیدن بر روی آئینه ضعف نما صغفا و زستی ها از برین خواهند رفت؟ آیا واقعا، اگر حزب توده ایران فردا فعالیت سیاسی خود را برای مدتی تعطیل کرد، دیگر مسائلی که پایه اختلاف جبهه ضد خط امام خمینی با خط امام خمینی است همه از بین خواهند رفت و صلح و دوستی بین لیبرال ها و محرومان جامعه برقرار خواهد شد؟ اکثریت مجلس به طیب خاطر رئیس جمهور و رئیس جمهور به طیب خاطر اکثریت مجلس عمل خواهند کرد؟ کودکانه است اگر اینطور تصور کنیم! واقعیت این است که اختلافات در درجه حسب محصول موضع گیری های مشخص دو طرف اختلاف در زمینه برخورد با اساسی ترین مسائلی است که در مقابل انقلاب قرار گرفته اند، یعنی ریشه کن کردن تسلط همه جانبه امپریالیستی و انجام دگرگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه و به زبان غارتگران. این کار هم با شعار و بیانتبویق به "تسلیم تبسم" انجام نمی گیرد و تنها با تصمیمات قاطع و پیگیر انقلابی می توان این مسائل را حل کرد. جای حزب توده ایران هم در هر شرایطی کاملا روشن است. حزب توده ایران در موضع دفاع از استقلال و آزادی و دگرگونی های بنیادی به سود زحمتکشان جای گرفته و همینست در همین موضع جای خواهد داشت. مبارزان توده ای نشان داده اند که حتی در لحظه ای که به چوب تیرباران بسته شده اند از این موضع گیری دور نگشته اند.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار ایجاد تغییرات بنیادی در وزارتخانه‌ها گردید. در این جلسه همچنین در مورد «خط گرایش به غرب» هشدار داده شد.

الویری اولین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، در ارتباط با تغییرات بنیادی، که ناشی از انقلاب است، سخن گفت. وی ضمن اشاره به این مسئله که آیا قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ما باید بر مبنای قوانین انقلاب باشد، یا آنچه که از طاغوت به ما رسیده، اظهار داشت:

«شما اگر به وضع اسفناک وزارتخانه‌های ما در دوران دولت موقت نگاه کنید، و وضعیتی که هنوز پس از گذشت ۴ سال از پیروزی انقلاب در این اداره‌ها وجود دارد، متوجه می‌شوید که انقلاب با خود یکسری قوانین جدید آورد، اما سیستم حاکم بر جامعه ما، سیستمی دست‌نخورده از زمان طاغوت بود، که به وسیله یک حرکت انقلابی و بیانی زیر و رو نشد و یکی از کارهایی که در این مقطع زمانی باید حتما صورت گیرد، این است که وزارتخانه‌های ما از این دوگانگی خارج شوند، دوگانگی‌ای که یکسری به رژیم شاهنشاهی منتقد وصل می‌شود و یکسری به انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، که می‌خواهد انسان بسازد.»

ناطق سپس به مسائل دیگری که امروز کشور و انقلاب با آنها روبروست پرداخت و از جمله به «خط گرایش به غرب» اشاره کرد و گفت:

«این خط انحرافی در مقابل خط اصلی انقلاب قرار دارد... و اینک آن جریان‌های انحرافی که توانست به علت نبودن تشکیلات گسترده در سطح کشور در اوایل انقلاب، خود را بر گردن دولت و حالا جناح‌های آن جریان انحرافی هنوز هم وجود دارد و حالا جناح‌های آن جریان انحرافی سعی دارند با اتحاد و هماهنگی کامل در مقابل خط اصلی انقلاب، که همانا خط اسلام و امام است، بایستند.»

الویری سپس تاکید کرد که بر انقلابیون واقعی است که جریان‌های انحرافی بخصوص خط گرایش به غرب و

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

انقلابیون واقعی باید «خط گرایش به غرب» را بشناسند و بشناساند

مجلس حمله اسرائیل به جنوب لبنان و اخراج شهرداران نلسون را محکوم کرد

ویرگیبای آن را بشناسند و بشناساند. او افزود: «یکی از پارزترین نمودهای این خط گرایش به غرب، با اینکه خود را مکتبی می‌داند، عدول از مکتب است، یعنی برای رسیدن به قدرت دائما از مکتب و خط رهبری عدول می‌کند و عجیب اینکه مقصر را طرف مقابل معرفی می‌کند و همیشه طرف مقابل را متهم به «انحصارطلبی و قدرت‌طلبی» می‌کند.»

ناطق سپس خطاب به رئیس جمهور گفت: «در روزنامه انقلاب اسلامی، که بهتر است بگوییم به اصطلاح انقلاب اسلامی، در مقاله‌ای که تحت‌عنوان کارنامه رئیس‌جمهور منتشر می‌کند، مطلبی درباره طرح قانونی اداره رادیو و تلویزیون بوده است.»

الویری آنگاه به خواندن قسمتی از این مطلب، که مربوط به تجزیه قوه مجریه به رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیران بود و در آن سؤال شده بود که: چرا این کار در مورد قوای مقننه و قضائیه نشده، پرداخت و اظهار داشت: «آیا غیر از این است که رئیس مجلس و نمایندگان،

رئیس شورای عالی قضایی و سایر قضات عضو شورا یک رای دارند؟»

او آنگاه تاکید کرد که به اعتقاد وی در این طرح قانونی بیش از آنکه باید برای رئیس‌جمهور حق رای در نظر گرفته شده است.

الویری در پایان سخنان خود به وضع پانزدهمین شهرداران نلسون اشاره و تاکید کرد که به علت همان کثرت‌طلبی اداره‌ها، خانواده این شهید هنوز خانواده شهید محسوب نمی‌شوند!

حملات اسرائیل غاصب

در اینجا حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد حمله اسرائیل به جنوب لبنان و سوء استفاده اسرائیل از وضع ناسامان منطقه سخن گفت و سپس افزود:

«در همین حال اسرائیل دو نفر از شهرداران مناطق اشغالی را بیرون می‌کند. این دو نفر از انقلابیون هستند که

در تهران هم بودند، و با وجودیکه شورای امنیت خواستار بازگشت آنها به موطن‌شان شده، ولی اسرائیل غاصب به این امر توجهی نکرده است.»

رئیس مجلس سپس اظهار امیدواری کرد که ایران بتواند روزی با این بی‌عدالتی‌ها مقابله کند و دست ستم را بشکند. او آنگاه این عمل دولت غاصب اسرائیل را محکوم کرد. پس از سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، مجلس وارد دستور شد و یک لایحه دوفوریتی در مورد ترخیص کالا-های گمرکی در خوزستان مطرح گردید. ۱۵ نفر از نمایندگان ضمن نامه‌ای تاکید کرده بودند که اگر مجلس هر چه سریعتر در مورد ترخیص کالاهای گمرکات خوزستان تصمیم نگیرد، این کالاها به سروست کالاهای گمرکات خونین‌شهر دچار خواهند شد. آنگاه در مورد دوفوریتی بودن این طرح رای گیری شد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید.

گزارش دیگری که در این جلسه مطرح شد مربوط به چگونگی مصرف ۱۵ میلیارد ریال برای هزینه‌های عمرانی طرح‌های عشایری بود. در این طرح، سهم استانیهای عشایری کشور از همین بودجه و طرح‌های عمرانی موضوع این قانون گنجانده شده است. در مورد مواد مختلف این لایحه رای گرفته شد، که به تصویب رسید.

«تغییر نام وزارت بهداری و بهزیستی» نیز در دستور کار دیروز مجلس قرار داشت، که به آن رسیدگی شد. این مسئله به دنبال جدا شدن بهزیستی از وزارت بهداری و بهزیستی مطرح شده بود. در این مورد چند مسوول و مخالف سخن گفتند. مخالفان این طرح عقیده داشتند که طرح مزبور تنها تغییر نام نیست، بلکه تفکیک دو سازمان از یکدیگر است و باید در مورد آن بررسی بیشتری به عمل آید. آنگاه در این مورد رای گیری شد و با کلیات و اصل این لایحه موافقت به عمل آمد.

در پایان این جلسه، طرحی که تحت عنوان «تأمین محرومان» توسط عده‌ای از نمایندگان تهیه شده، پسرای رسیدگی به مجلس تقدیم شد.

هشدار به مجاهدین

بقیه از صفحه ۱

داخلی آن ندارند، زیرا اگر چنین بود، مجاهدین خلق، درست در آستانه اجرای توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا، که اگر موفق می‌گشت، شاید میلیونها تن از مردم کشور ما را به خاک و خون کشانده بود، در دام تحریکات و حادثه‌سازیهای عوامل آشکار و نهان امپریالیسم آمریکا و نیز عناصر ناآگاه قسری و انحصارطلب، لیبرال و مائوئیست‌ها گرفتار نمیشدند و به انحراف اذهان مردم و مسزولان از خطر اصلی و واقعی، به تشدید جو خصومت و تفرقه میان نیروهای خلق و نیز به گسترش کشمکش و درگیری، که تماما ضعیف‌کننده نیروی مقاومت خلق است، روی نمی‌آوردند. اگر مجاهدین خلق درک دقیق و درستی ازخطر امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های آن میداشتند، بدینسان این دشمن درامتنش و سفاک و توطئه‌گر را به فراموشی نمی‌سپردند و صفحات نشریات و روزنامه‌های آنان سکر در مواردی تصادفی از افشای توطئه امپریالیسم آمریکا تپمی نمی‌بود.

مجاهدین خلق بار دیگر، درست در آستانه تدارک اجرای همتین توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در دام تحریکات و حادثه‌آفرین‌ها و توطئه‌های ضدانقلاب و لیبرال و مائوئیست‌ها افتادند و با شرکت خود در تحریکات و درگیری‌ها، بویژه در مدارس، عداوت به آسیاب دشمن می‌ریزند.

متلما مجاهدین خلق با موفقیت توطئه امپریالیسم آمریکا در سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و تضعیف و نابودی انقلاب ایران موافق می‌باشند. ولی چطور توجه ندارند و از تجربه تلخ گذشته هیچ درس نگرفته و نیاموخته‌اند که پشت هر گردبادی، که به تصور آنان علیه «ارتجاع» از یکسو و علیه «خط کومیس» از سوی دیگر، پراه افتاده است، شمشیر امپریالیسم آمریکا برآوردن ضربه بر انقلاب ایران نیز می‌شود است! آینه آسان طیس و نوژه را فراموش کرده‌اند!

آنگونه در مقابل چشم‌همگان در کجوب صف آراسته‌اند: در یکسو، غارتگران بازار، که به ویژه طی دو سال اخیر چون زالو، از خون خلق فریه شده‌اند، سرمایه‌داران بزرگ، یماز و بفرش‌ها، زمینداران، ثروادها و چنانچه‌کاران ساواک و سیا و نمایندگان سیاسی آنها، ام از

روشنفکران خودفروش و روحانی-نمایان، که در سدد احیای پیوندهای وابستگی به امپریالیسم هستند، با تقسیم اراضی میان دهقانان، ملی شدن بازرگانی خارجی، مصادره اموال غارتگران سرمایه‌دار، دولتی شدن مدارس، مجازات چنانچه‌کاران ساواک و وابستگان به رژیم پهلوی ... و مخالفت و از تضعیف این مواضع ضد مردمی صورت می‌گیرد، تعمیق انقلاب قسری می‌کند، ازسوی خشمگین‌اند و می‌نالدند. ازسوی دیگر، کارگران و دهقانان، زحمتکشان قسری و ده‌روشنفکران مترقی و مسلمانان انقلابی بیرو خط امام قرار دارند که دشمن اصلی را امپریالیسم آمریکا می‌داند و میکوشند تا سنگ بر سنگ منافع وی و طبقات مدافع وی و عمال آنها باقی نگذارند.

مجاهدین خلق در این کارزار بی‌امان طبقاتی میان انقلاب و ضدانقلاب، چه موضعی اتخاذ کرده‌اند؟ آیا آنها مشت‌پیروان مزد خط امپریالیسم را، که از «آزادی» دم می‌زنند، ولی «آزادی» را برای غارتگران و چنانچه‌کاران می‌خواهند، گشوده‌اند؟ آیا آنها نیروی خود را به حمایت از اقدامات ضد امپریالیستی و خلقی مسلمانان انقلابی بیرو خط امام در دولتی کردن مدارس، دولتی کردن بازرگانی خارجی، اصلاحات ارضی و سمت گیری مثبت در سیاست خارجی بکار انداخته‌اند و ندای «آزادیخواهی» مخالفین این اقدامات را بعنوان سالوسوی تزویر و فریب توده‌ها، افشا کرده‌اند؟

با نهایت تأسف باید به این پرسشها پاسخ منفی دهیم. مجاهدین خلق بی‌آنکه از محتوی «آزادیخواهی» ضدانقلابیون و سازشکاران و تسلیم‌طلبان سخن بگویند، برای توده هوادار خود، خویش، ماهیت امپریالیستی این توطئه را افشا کنند، خود با آنان همسدا گشته‌اند و به شیوه آنان از فقدان «آزادی» می‌نالند. اینهم از ضعیف‌ترین مجاهدین خلق تا بدانجاست که توده هوادار این سازمان به آلت دست چنانچه‌سازیبای لیبرال‌ها بدل گشته‌اند و متأسفانه در کنار ساواکیسهای پنهان و آشکار سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، سیاسی لشکر تفرقه‌افکنی‌های ضدانقلاب را تشکیل می‌دهند.

مجاهدین خلق ظاهرا می-پندارند که در این جنگ ناگزیر، می‌توانند خود را پرکار نگاه دارند و از بالای تپه، نبرد بیرو-های «رقیب» را، به نظر نهند و هنگامیکه هر دو ضعیف گشتند، خود غالب گردند. اما مجاهدین

خلق روی تپه زندگی نمیکنند، نظاره‌گر هم نیستند، در وسط صحنه هستند، و پشاه یک نیروی سیاسی متأسفانه خلاف هدفهای واقعی خویش و برخلاف مصالح انقلاب، عملا به ضدانقلاب یاری می‌رسانند و در جبهه لیبرال‌ها علیه دگرگونی انقلابی موضع گرفته‌اند.

چرا چنین شده است؟ مجاهدین خلق معتقدند: «بستن دست مجاهدین خلق و سلب آزادی از آنها، یعنی بازگذاشتن دست امپریالیسم برای غارت خلق و لجنند پذیرش به آمریکا!»

مردم شوروی ...

بقیه از صفحه ۱

شوروی، که در زمینه احداث کارخانه ذوب آهن اسفهان به ایران کمک کرد، همچنین گروهی از کارشناسان خود را برای تجسس و اکتشاف منابع ذغال سنگ و مواد خام مورد نیاز این کارخانه به ایران فرستاد. اکنون بیش از ده سال است که دهها زمین‌شناس شوروی، همراه با کارشناسان ایرانی، به اکتشاف معادن ایران در شمال، در کوم-های البرز، در فلات کرمان و در صحرائ ایران مرکزی مشغولند. این کارشناسان سدها و هزاران کیلومتر پای پیاده زنده‌اند، سدها کیلومتر چاه اکتشافی حفر کرده‌اند و به تحقیقات آزمایشگاهی و صنعتی و تدوین نقشه‌های مفصل معادنی، که در آینده مورد استخراج قرار خواهند گرفت و پایه‌ای برای پیشرفت آتی منابع ایران خواهند بود، دست‌زده‌اند. اکنون اتحاد شوروی و ایران در زمینه اکتشاف معادن ذغال سنگ و دیگر مواد خام، برای افزایش قدرت تولید کارخانه ذوب آهن به یک میلیون و نصد هزار تن فولاد در سال، همکاری می‌کنند.

ترقی و پیشرفت صنایع، بویژه صنایع استخراج معادن، بدون آب غیر قابل تصور است. ذخایر ذغال سنگ و سنگ آهن ایران، بطور عمده، در نواحی بی‌آب متمرکز است. در این زمینه هم، همکاری کارشناسان شوروی و ایران به دست‌آوردهای مهمی انجامیده است. پس از کشف منابع آب در کرمان، چندین چاه، تلمبه‌خانه و لوله آب در آنجا احداث شده است. واحدهای استخراج ذغال سنگ، از لحاظ آب برای مصرف صنعتی و کویهای مسکونی و شهرهای نوساز بی‌امون آنها از نظر آب جاده صاف‌کن ضدانقلاب‌اند.

آنوقت دوری که از برافروختن این آتش برمی‌خیزد، بی‌گمان به چشم آنهاست که برای این آتش، خواسته و ندانسته هیزم جمع می‌آورند نیز خواهد رفت. امیدهم مبارزان راستین انقلاب ایرانی اینست که مجاهدین خلق هرچه سریعتر در روش نادرست خویش تجدیدنظر کنند و عملا - و نه در حرف - در صف انقلاب قرار گیرند. در شرایط حساس فعلی، انقلاب از همه نیروهای مومن به آماج‌های انقلاب بیشتری بهره‌مند خواهد شد، هشیاری را می‌طلبید.

آشامیدنی تأمین گردیده‌اند. زمین‌شناسان شوروی و ایران اکنون کار خود را در ناحیه مرکزی ایران، که در آن منابع بسیاری از فلزات گرانبها پیدا شده است، بپایان می‌رسانند. ذخایر این فلزات به حدیست، که میتوان از آنها برای نیازمندیهای صنعتی و بعنوان ماده اولیه استفاده کرد. در حال حاضر، تدارکاتی برای انجام کارهای وسیع اکتشافی در ناحیه بزرگترین منابع ذغال سنگ ایران در جنوب دشت کویر، در منطقه طیس، بعمل می‌آید. امکان دارد که این منابع به پایگاه ایجاد بزرگترین منطقه استخراج ذغال سنگ در کشور تبدیل شود. این ذغال سنگ، نه فقط بعنوان ماده سوخت در کارخانه‌های ذوب آهن مورد استفاده قرار خواهد گرفت، بلکه منبع تولید برق ارزان هم خواهد بود. بدین ترتیب، امکانات جدیدی برای پیشرفت دیگر رشته‌های صنعتی هم فراهم خواهد شد.

در اینجا، این مقایسه در ذهن انسان خلور میکند که نظامی-گران آمریکایی از ناحیه طیس بعنوان پایگاهی برای مداخلات مسلحانه خود در ایران استفاده کردند، و ایران نیز صدق میکند. کردند، ولی برای مردم شوروی، که همواره علاقتند به گسترش همکاری اقتصادی با ایران میتواند پایگاهی برای اجرای پروژه‌های بزرگ جدید همکاری اقتصادی ایران و اتحاد شوروی مبدل شود - پروژه‌هایی که به پیشبرد هدفهای مردم ایران در راه تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کمک خواهد کرد. مردم شوروی مراتب پشتیبانی خود را از انقلاب ایران ابراز میدارند و آماده‌اند که در آینده نیز مناسبات خود را با همسایه جنوبی خویش گسترش دهند. در پیش‌نویس «برنامه ترقی و پیشرفت آتی اتحاد شوروی»، که بحث میشود، همچنین از گسترش روابط اقتصادی اتحاد شوروی با کشورهای رشدیابنده سخن می-رود و گفته میشود که اتحاد شوروی در آینده نیز با احداث واحدهای صنعتی و کشاورزی و نیروگاهها و غیره و تقویت استقلال اقتصادی خود، به تقویت استقلال اقتصادی و سیاسی این کشورها کمک خواهد کرد. همه این مطالب در مورد همکاری میان اتحاد شوروی و ایران نیز صدق میکند.

یک پادگان نظامی ...

بقیه از صفحه ۱

رزمندهگان ژاندارم و نیروهای قبرمان بیسج مردمی، یک بولدورز دشمن را نابود و حدود ۲۰ تن از قوای کفر را کشته و زخمی کردند. ۴- چنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک پایگاه دشمن، یک تلمبه-خانه نفت در جنوب شرقی عراق، پادگان نظامی پنجوین و ترمینال نفتی و اسکله «الیه» را هدف حمله خود قرار دادند و به دشمنان انقلاب خساراتی وارد کردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در طی اعلامیه‌ای، ضمن تشکر از مردم قبرمان ایران که با رفع نیازهای مختلف تدارکاتی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نبرد با دشمنان متجاوز و کویهای مسکونی و شهرهای نوساز بی‌امون آنها از نظر آب

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نام «مردم» بزبان کردی

حزب کمونیست فرانسه شصت ساله شد

در پاریس، بمناسبت شصتین سالگرد تأسیس حزب کمونیست فرانسه، مجلس جنتی برپا شد. در این مراسم اعضای سابقه و فعالان حزبی و نمایندگان پارلمان شرکت داشتند. ژوزف مارشال دبیرکل حزب کمونیست فرانسه گفت که حزب کمونیست فرانسه هوادار عدالت و آزادی حمایت کرده و در راه خلع سلاح، صلح، تخفیف تشنگان و همزیستی مسالمت آمیز، بیکار کرده است.



پراودا: لهستان جزء لاینفک نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی سوسیالیسم بوده و هست

پژوهان «ناتو» حوادث لهستان را دستاویزی برای افزایش تشنج و تشدید مسابقه تسلیحاتی کرده اند

روزنامه پراودا، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیرامون رویدادهای لهستان و دخالت پیمان ناتو در امور لهستان مقاله‌ای درج کرده است. در این مقاله ضمن تأکید بر این که لهستان کشوری است که جزء لاینفک نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی سوسیالیسم بوده و هست، بررسی اوضاع لهستان در اجلاس اخیر پیمان ناتو در بروکسل را «مفسده جوی خطرناک» نام نهاده است. «پراودا» از جمله نوشت:

«اگر کشورهای سوسیالیستی اوضاع یکی از کشورهای عضو پیمان ناتو را در چارچوب پیمان ورشو بررسی می‌کردند و نظر خود را در باره مسائلی که باید در این کشور حل شود و دگرگونی‌هایی که باید انجام گیرد، بیان می‌داشتند، به آسانی می‌توان تصور کرد که پیمان آتلانتیک شمالی چه عکس‌العملی در این مورد نشان می‌داد، و این عکس‌العمل در صورتی که سازمان پیمان ورشو برای مقابله با انتصابات ممکنه و یا دیگر رویدادهای داخلی به تعیین مداخله مسلحانه خود می‌پرداخت، چه جنبه‌ای به خود می‌گرفت.»

پراودا همچنین تأکید کرد که نیروهای مسلح پیمان تجاوزکار ناتو طرح‌های مداخله نظامی را، که گویا باید در صورت بروز وضع بحرانی در کشورهای اروپای خاوری عملی شود، مورد بررسی و اصلاح قرار داده اند. ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ضمن اشاره به اینکه، اگر اوضاع در لهستان از حیث تسلط دولت و حزب متحد کارگری لهستان خارج شود، باطلع سران کشور-های عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است، نوشت:

بانو گاندی تسلط‌های تشنج طلبانه آمریکا را محکوم کرد

بانو ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، آمریکا را بخاطر تقویت نیروهای نظامی خود در اقیانوس هند و ایجاد پایگاه دریائی و هوائی در جزیره دیه گور-کامپیا، محکوم کرد. خاتم گاندی این مطلب را در پاسخ پیام منگیتو هایله عاریام، رهبر اتیوپی اعلام کرد. رهبر اتیوپی در پیام خود از توطئه‌های آمریکا در اقیانوس هند ابراز نگرانی کرده بود.

خاتم گاندی در پیام خود یادآور شد که هند نیز مانند اتیوپی از تلاش برای نظامی شدن اقیانوس

جبهه خلق برای آزادی عمان و ژنرال شاذلی از پیشنهادهای لئونیف برژنف استقبال کردند

جبهه خلق برای آزادی عمان و همچنین ژنرال شاذلی، دبیرکل جبهه نیروهای دموکراتیک مصر، حمایت خود را از پیشنهادهاى اخیر لئونیف برژنف در مورد خلیج فارس اعلام کردند. جبهه خلق برای آزادی عمان از پیشنهادهاى لئونیف برژنف برقراری صلح پایدار در خلیج فارس و اقیانوس هند استقبال کرد. این جبهه در بیانیه‌ای که در بیروت منتشر شد، پیشنهادهاى برژنف را نشانه‌ای از تمایل اتحاد شوروی برای از میان بردن کانونهای تشنج دانست.

همچنین ژنرال سعدالدین شاذلی، دبیرکل جبهه نیروهای سینی دوست مصر - جبهه‌ای مرکب از همه نیروهای سینی دوست و آزادیخواه مخالف رژیم ساداتین از پیشنهادهاى لئونیف برژنف حمایت کرد. شاذلی در بیانیه‌ای که در عدن منتشر شد، اعلام کرد که اتحاد شوروی هیچگونه منافع فزونی در منطقه ندارد و هیچوقت تلاش نکرده است آبهای جنوب غربی را به منطقه نفوذ خود تبدیل کند.

نیروهای سوریه، مواضع متجاوزین اسرائیلی را زیر آتش گرفتند

رادوی دمشق اطلاع داد که سپاهیان سوریه در ترکیب نیرو-های پاسدار صلح عرب دولیان مواضع نیروهای تجاوزگر اسرائیل در جنوب لبنان را زیر آتش کلوله گرفتند. این رادوی به نقل از اظهارات سخنگوی وزارت دفاع سوریه اعلام کرد که تلفات وارد شده است. عملیات سربازان سوریه به طرفی حمله دنیف متجاوزین اسرائیلی بود. دیروز در نتیجه آتش توپخانه اسرائیل و هجوم کماندوهای اسرائیلی، ۳ سرباز سوریه از ترکیب نیرو-های مشترک پاسدار صلح عرب کشته شدند.

جنگ سیاسی - باز هم پر بار تر



تلویزیون

نیروهای شوروی از افغانستان بیرون بروند، تا آمریکا نتواند درپس نقاب تجاوزشوروی، چهره کثیف خود را پنهان کند. این موضوعی است که با اینکه از سر حسن نظر است، نه بسود انقلاب ماست و نه تبلیغ آن به زیان آمریکا، زیرا انگیزه لشکرکشی امپریالیسم آمریکا و یاران اروپایی و ژاپنی‌اش را حضورنیروهای شوروی در افغانستان معرفی می‌کند. در حالیکه تگهای به واقعیت‌های دو سال گذشته نشان می‌دهد که ناوگان آمریکا چند ماه قبل از وقایع افغانستان درمنطقه حضور داشته‌اند و به آبهای خلیج فارس آمده‌اند. علاوه بر این پرسید که: در ۲۵ سال گذشته هم نیروهای شوروی در افغانستان حضور داشته‌اند، که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، به غارت مستقیم منطقه مشغول بود و از جمله میهن ما را به بزرگترین پایگاه نظامی خود تبدیل کرده بود؛ امیدواریم پایگاه نظامی خود تبدیل با دقت و وسواس بیشتری در این قبیل مواضع موضع گیری کنند.

علاوه بر نفس‌جندی غیب‌بودن تحلیل از اوضاع حساس ایران در یک هفته گذشته، در قسمت چهارم «جنگ سیاسی» این هفته، متأسفانه تحلیل کاملاً درستی از بازتاب سفر لئونیف برژنف به هند ارائه نشد. در حالی که گوینده معترف بود که حزب دجاناته - یعنی حزب سرمایه‌داران بزرگ هند هنگامیکه قدرت را در دست داشت، به آمریکا نزدیک شد، با اینهمه اظهارات این حزب علیه لئونیف برژنف را به بهانه افغانستان، بسیار برجسته کرد و روی آن تکیه نمود. در دنباله این قسمت، بعد از اعلام رتوس طرحی که لئونیف برژنف برای برقراری صلح در منطقه اعلام کرد، گفته شد که آمریکا، اروپای غربی و ژاپن با این طرح مخالفت کرده‌اند و سپس موارد حمایت از این طرح در منطقه شمرده شد. نفس جندی این قسمت، علاوه بر حذف نظر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، این موضوعی نادریست بود که: پیششهادها ظاهراً از زنده بظل می‌رسد، اما حضور نیروهای شوروی در افغانستان مانع اجرای طرح است. برای اجرای طرح باید

سیستم دوزخی آمریکا

در همان اتومبیلی که پرورفور و یاک جوان کم سن و سال را به یکی از بزرگترین زندانهای آمریکا میبرد، گروهبان هم به زندان می‌رود، تا کار خود را آغاز کند. زندان بزرگ نمونه کسوجک جسامه آمریکا است. همچنین الکتریکی است. حتی در سلولها با استفاده از تکنولوژی مدرن باز و بسته میشود. کلیسا هست، داروخانه هست، ورزشگاه هست، اما آنچه بر این «شکل» پیشرفته حاکم است، همانا محتوای سیستم سرمایه‌داری، یعنی فساد و تباهی است. اداره زندان به دست گانگستری است که مواد مخدر بین زندانیان پخش می‌کند و به شیوه‌های گوناگون آنها را استثمار می‌کند. هر زندانی تازه وارد، یا باید در این سیستم بعنوان استثمارشونده و یا دست بالا، شریک استثمار جا بگیرد، و یا بمرود، بهین آسانی، گانگسترها بوسیله رئیس نگهبانان و رئیس زندان، که در سود حاصله شریک هستند، حمایت می‌شوند. سیستم سرمایه‌داری از گانگستری که او را به خاطر ارتکاب جنایت به زندان نامحدود محکوم کرده، در داخل زندان استفاده می‌کند و سود می‌برد.

دوشنبه شب گذشته، سیما جمهوری اسلامی - شبکه دوم - فیلمی به کارگردانی «توم گرای» و به نام «خانه شیشه‌ای» را پخش کرد. این فیلم، که براساس یک داستان نویسنده معروف آمریکائی «توم گرای» ساخته شده، برده‌از سیستم دوزخی امپریالیسم آمریکا برمی‌دارد و نشان می‌دهد که این سیستم چگونه در تار و پود خود، انسانها را به فساد و تباهی می‌کشاند و آنها را راه که برای نجات خود دست به مقاومت بزنند، به آنان مرگ می‌فرستد. از آنجا که امپریالیسم خبری با استفاده از امکانات عظیم خود و بر بنیاد ۱۵۰ سال تبلیغ هیستریک ضد کمونیستی، می‌کوشد هر انتقادی از سیستم سرمایه‌داری آمریکا، با برچسب کمونیسم، در نزد توده‌های ناآگاه این کشور بر اعتبار کند، نویسنده و کارگردان با هوشیاری تمام، افشاء و گندگنای سیستم را از عوامل اصلی همان سیستم برگزیدند:

قتل عام «شاین» ها توسط یانکی‌های «بشر دوست»!

دوشنبه شب گذشته، قسمت دیگری از مجموعه تلویزیونی «سرخیوست‌های آمریکا»، پیش از اخبار، از شبکه اول سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد. سریال «سرخیوست‌های آمریکا»، که برنامه‌ای از گروه «جان تلویزیون» است و توسط حسین احدی و هوشنگ شام محدود تهیه میشود و نویسنده و کارگردان آن اسماعیل عباسی است، در این قسمت به قتل عام یکی از معروفترین قایق‌سرخیوست‌های آمریکا، یعنی «شاین» ها توسط ژنرال کروک آمریکائی اختصاص داشت. در این قسمت نشان داده شد که چگونه در سال ۱۸۹۰ ژنرال کروک آمریکائی، به نمایندگی از سرمایه‌داری روبه رشد آمریکا شمالی، که پیوسته منابع و زمین «تازه‌های» را طلب میکرد، به «شاین» ها حمله کرد. بعد از کشتار گروهی از سرخیوست‌ها، بیگانه، قراردادی به آنها تحویل شد که طبق آن، باید زادگاه خود را ترک میکردند

و به جنوب می‌رفتند. در اردوگاه دولتی جنوب، امپریالیستهای یانکی کوشیدند سرخیوست‌ها را به ویسکی معتاد کنند و از جانب دیگر دیگر مسیحی قلابی بنام «کوکا» برایشان تراشیدند، که سرخیوست‌ها را به رقصهای به اصطلاح مذهبی فرا میخواند و از آنها درخواست آرایش خود را حفظ کنند و با سفیدپوستان نجسند، زیرا سفیدپوستان بزودی نابود خواهند شد! «شاین» ها، که در اردوگاه فتلبه اندازه غذای بخور و نمیر کودکانشان جیره می‌گرفتند، سرانجام به تگ آمدند و تصمیم گرفتند به شمال برگردند. با آغاز حرکت سرخیوستان، سربازان آنها را محاصره کردند. «کوکا» رئیس «شاین» ها، بقیه ماجرا را چنین تعریف میکند: «به ژنرال کروک گفتیم بجز قلمه کوچکی زمین، که بتوانیم در آن زندگی

دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا: آمریکا تمهیداتی جدی علیه خلفای خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است

نوری عبدالرزاق، کفیل دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا، درباره اوضاع متشنج کنونی خلیج فارس گفت: «اوضاع انفجارآمیز کنونی در خلیج فارس نتیجه سیاستهای توسعه طلبانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست.» نوری عبدالرزاق گفت: «ما بر این عقیده‌ایم که تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و ساختن پایگاههای نظامی، از جمله پایگاه دیگو گارسیا، ایجاد پایگاه در منطقه خلیج فارس، پایگاههای عمان و همچنین اعلام خلیج فارس بعنوان «منطقه حیاتی» آمریکا، تهدیدی جدی علیه خلفای خلیج فارس و صلح و ثبات منطقه است.»

وی یادآور شد: «تشکیل باصلاح سیاه واکنش سریع از سوی آمریکا برای مداخله نظامی مستقیم در منطقه می‌تواند حاکمیت و استقلال کشورهای خاورمیانه را جدا بنظر اندازد. این اقدام نقض فاحش موازین بین المللی است.» دبیرکل سازمان همبستگی آسیا و آفریقا افزود: «مردم خلیج فارس، مانند دیگر نیروهای ترقیخواه جهان، این تحولات را با نگرانی دنبال می‌کنند. محافل ترقیخواه جهان نسبت به پیشنهادهاى اخیر صلح لئونیف برژنف، واکنش مثبت نشان میدهند.»

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران. دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی. خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست. NAMEH MARDOM No. 402 23 December 1980. Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr. خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند. صندوق پستی ۱/۳۵۰۹، منطقه ۱۴ پستی تهران